

ولی زارع برای زراعت و ناچار برای تجارت و مصارف برای عمل صرافیه خودش نمی تواند از این رو حساب کند و دقیقه شماری نمی تواند بکند و محتاج است که از روی یک اصول اساسی رفتار کند

سال شمس حقیقی برای چیست ؟ برای این است که ما از شر کبیسه نجات پیدا کنیم.

از این جهت ماهها را ماطوری ترتیب داده ایم که خسته مترقه در بین خود ماهها مستهلك می شود که بیستون هم در وضع این قانون جلب نظر متخصصین و منجمین و دانشمندان را کرده و بهترین ترتیب و طریقی که بنظر رسیده همین بوده است که خسته مترقه را در ماهها مستهلك میکند

چنانچه ملاحظه میفرمائید فروردین و اردیبهشت و سایر ماهها سی و یک روز است و خسته مترقه در بین ما ماهها مستهلك شده و دیگر کبیسه ندارد

اما در قسمت تغییر الفاظ شرحی فرمودند بمعنی بنده ملت ایران که یک ملت مسلمان است و تاریخ و قیامت باید این دین مقدس آسمانی را برای خودش حفظ کند.

این ملت وقتی میتواند دیانت مقدسه خودش را حفظ کند که بتواند آثار ملت خودش را هم حفظ کرده باشد و از تقویت بکند.

یک ملت وقتی خود را احیا کرده و کاملاً نگاهداری نماید و اگر ما حالا این تغییر الفاظ ملی خودمان را از قبیل اردیبهشت و فروردین و غیره بگذاریم خیلی بهتر است زیرا موفق شده ایم آثار ملی خودمان را احیا کرده و حفظ نماییم.

ملتی که آثار ملی خودش را نگاه دارد یعنی دین خودش هم نائل خواهد شد.

جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است

محمد هاشم میرزا شیخ الرئیس - بعقیده بنده مذاکرات کافی نیست

نایب رئیس - بفرمائید

شیخ الرئیس - باید معلوم شود اشخاصی که این لایحه را پیشنهاد کرده اند شاید یک ادله علمی و اساسی داشته باشند که باید گفته شود آقای مجیر باندازه امضاء کنندگان این قانون دفاع نکردند از این جهت لازم است دلایل گفته شود

ایشان آقای مجیر فرمودند کسی نمی تواند کسور اعشاری را حساب کند این حرفها خوب نیست در مجلس اظهار شود همه میتوانند کسور اعشاری را حساب کنند ولی مطلب غیر این است و اظهارات آقایان مخالفین باید جواب داده شود

نایب رئیس - رأی می گیریم بکفایت مذاکرات

آقایانی که مذاکرات کافی میدانند

قیام فرمایند (عده قبلی قیام نمودند) نایب رئیس - تصویب شد آقای کازرونی (اجازه)

کازرونی - بنده بگفتم از امضاء کنندگان این لایحه بودم لیکن زمانی که امضاء کردم خیال میکردم در خصوص تغییر اساسی سالهای ترکی است از این جهت او را امضاء کردم (خنده نمایندگان)

کازرونی - حقیقتاً باید گفت لیکن فرمایشات آقای ضیاءالواعظین بندر اواردار کرد که مخالفت کرده و عریض خودم را عرض کنم

ایشان هم چو فرمودند و جلوه دادند که ملت ما موطوب این است که این ماهها را نگاه داریم و مثلاً اردیبهشت بگوئیم یا جهنم بگوئیم

آیا حفظ ملت ما مربوط باین مسئله است؟

این حرفها چه چیز است؟ آخر حریف است این حرفها در مجلس زده شود

ما میخواهیم اسامی بگویی که عربی است برداریم و یک اسامی که فرس قدیم است بجای آنها بگذاریم

چیزی که بر حسب ظاهر معلوم است همین است در ضمن یکتبیرات دیگری هم در بعضی از ماهها داده شده است باینطور که بعضی از ماهها سی روز بوده و حالسی و یکروز کرده اند و بعضی ها که سی و یک روز بوده حالا سی روز شده است

حضرت آقای شریعتدار که در حریت استادم و اطلاعات مستند بیانات کافی فرموده و توضیحات لازم داده و بنده بعد از فرمایشات ایشان نمیتوانم چیزی عرض کنم

بنده که بگفتم تاجر لازم نیست در کلبه معلوم اطلاعات داشته باشم و بنده هم مثل سایر آقایان در علم نجوم کاملاً بی اطلاع

بعضی از نمایندگان - (با همه)

اینطور نیست کازرونی - ببخشید همه در علم نجوم متخصص هستیم اشتباه کردم

مطرح شدن این لایحه

اسباب یک تغییراتی است در دفاتر و خطوط مردم در موقع تطبیق مردم را دچار اشکال خواهد کرد و بنده نمیتوانم در طرح این لایحه چه مصحتی منظور شده و چه موجباتی ایجاد کرده است که ما باینکار بپردازیم

آیا یک مسئله اقتصادی است که همه مردم بآن متوجه هستند و صدای همه بلند شده است

چنانچه حضرت آقای شریعتدار فرمودند برج حمل را که حمل اسم گذارده اند بیک مناسباتی بوده و برای این بوده است که بعضی از سیارات بعضی از نمایندگان - نواب کازرونی - بله دورتهای یک نوابی مثل حمل بوده و هیت ترکیه اش اینطور بوده و باین مناسبت اسم این ماه را حمل گذاشته اند

حالا میخواهیم این ترتیب را بر هم بزنیم و نمایانم از روی چه فلسفه دلیل باید اینطرز جدید را بپذیریم

یک مردمان بزرگی که در نجوم تخصص داشته اند آمده اند این ترتیب را معین کرده اند حالا آقایان آمده و تغییر داده اند و سی روز را سی و یک روز یا کمتر یا بیشتر معین کرده اند

بنده عرض میکنم تغییر این امر اگر فقط از روی میل بود خوب بود روز بیستم را اصلاً بپندازند تا آنروزی که در نظر بعضی ها نفس میباشد اصلاً از بین برود یا همه ماهها را خوب بود سی یا سی و یک روز معین کنند تا در موانع شمارش و تقسیم بهتر باشد

در حال بنده هیچ وجهی برای این تغییر نیستی منم و خیال میکنم مبادرت باین امر هم اصلاً از وظیفه مجلس خارج باشد که باین همه گرفتاری که داریم حالا بیاییم و از نجوم صحبت کنیم و الفاظ عربی را که تاکنون معمول بوده از بین برداریم و بجایش الفاظ فرس قدیم بگذاریم و حال آنکه الفاظ عربی یک زبان بین المللی برای قاطبه مسلمان است و باین فقر و احتیاج لغتی که ما داریم این کار برای ما زیاد است

نایب رئیس - شاهراده محمد هاشم میرزا

محمد هاشم میرزا شیخ الرئیس - آقای شریعتدار وارد شدند در قسمت تاریخی و یک فرمایشاتی فرمودند و اگر بخواهیم وارد شویم در قسمت تاریخی و کلیه تواریخ و ملل از این مباحث صحبت کنیم اسباب توضیح وقت مجلس خواهد بود و چندین جلسه وقت مجلس تلف خواهد شد قدره شکر کش این است که همه گرفتار این مطلبی که آقایان میفرمایند شده اند و خواسته اند یک راه حلی برای آن پیدا کنند حال بسال رومی یا سال ایرانی کاری نداریم زیرا این مبحث مفصل است و حالا وارد در بحث این قضایا نمی شوم ولی بطور اجمال لازم است عرض کنم که تمام ملل از قدیم الایام یک مقدار هائی برای زمان لازم داشته اند برای اینکه بتوانند به دیگر بفهمانند که حالا مثلا چه وقت است و شش ماه دیگر چه وقت است یک قسمت از ماهها هم ماههای طبیعی و هادی بوده است مثل ماههای قمری که اول

ماه در آسمان ماهرامی دیدند و هیچ محتاج بتقویم هم نبود همینطور نیمه و آخر ماه را هم از روی ماه پیدا میکردند و بعد که تمدن بیشتر شده است دوچار یک اشکالاتی شده اند مردم دور هم جمع شده و یکسالهای دیگری را فکر کرده اند و این که آقا فرمودند هینابر ابراست بآن نواب آسمانی اگر در هر روز و در هر سال قبل یا جلوتر برابری بوده بآن صورتها حالا نیست یعنی الان صورت حمل را که نگاه کنید یا دورتهای حمل را ببینید تغییر کرده ...

شریعتدار از مدافعی عرض کردم فلسفه اش این بوده است ... شیخ الرئیس - بلی حالا لازم نیست آن فلسفه دوازده سال قبل را یا اینکه متلاذربا بل یک چیزی معمول بود آنرا بیاییم امتداد بدهیم

اگر باز هم آن نواب در جای خودش بود بگویی بود ولی امر و آنطور نیست زیرا خیلی از ستاره ها بواسطه طول زمان از جای اولیه اش تغییر کرده و این چیزی نیست که متجددین گفته باشند این یک مطلبی است که مدتها است سابقه دارد

اما در قسمت سال شمسی قمری در خود این مجلس در باره شانزده سال قبل همین مسئله سال شمسی مطرح شد و قبل از او فقط در تقویم بود و حمل و نور و جوزا را هم ابتدا مردم نمیدانستند و اغلب معنی آنرا هم نه شهرها میدانستند و نه دهاتی ها و مثلاً اگر یک نفر میگفتی تودر برج نور متولد شده ای بدش نمی آمد ولی وقتی میگفتی در برج گاو بنده آمده ای بدش می آمد زیرا با تمام معنی یاد نگرفته بود و اگر معنی حقیقی نور و جوزا با سرطان و خرچنگ را یاد گرفته بود وقتی که میگفتی تودر برج فلان متولد شده ای نباید بدش بیاید

اما اینکه فرمودند اسم این ماهها را کسی نمیداند این طور نیست همه میدانند دی اردیبهشت - این اسمی راهه میدانند ولی حمل و نور و جوزا را اکثر جاها نمیدانند ...

فائم مقام - همه جا میدانند اینطور نیست که میفرمائید شیخ الرئیس - آذربایجان را بنده مسیون نیستم

عرض کردم در اکثر جاها نمیدانند اسم هم مردم در خراسان و کرمان و یزد و گلانش هم اینجا تشریف دارند جمعی از نمایندگان - صحیح است شیخ الرئیس - آذربایجان چون نرفته ام نمیدانم

علی ای حال هیچ موضوع و منظوری نیست که عربی را فارسی کنیم - اما این که میفرمایند در تعیین ماهها حقیقی گرفتار اشکالاتی میشویم و نمیتوانیم معین کنیم

بنده عرض میکنم مگر الان تصور میفرمائید که این حمل و نور و جوزا که گفته میشود تا بتقویم نگاه نکنند نمیدانند در ادارات دولتی هم هر کدام یک تقویم بهاری و ستشان دارند و از آن رو میگویند خود ما هم الان که میگوئیم بیستم شعبان است باید فکر کنیم تا بفهمیم چندم حوت است و گاهی با روزنامه نگاه میکنیم یا بتلگرافات

مثلاً یا رسال و بیبر سال که تقویم ما فلتط شده بود ملاحظه فرمودید چند رسایب اشکال شد و این موضوع چندان قرتی ندارد برای اینکه آمده اند سال شمسی را بدو ازده قسمت تقسیم کرده اند که همه در خاطر شان باشد و دیگر یک ماه سی و یک روز و یکماه سی و دو روز و یکماه بیست و شش روز باشد علاوه سال شمسی را در همین مجلس معین گردیم

حالا میخواهید ماهها را درست کنیم و هیچ منافاتی هم با اصول مذهبی و دینی ندارد و البته شهروندی یک شهروند است ابتدا تبدیل و تغییر هم نباید پیدا کند ولی چون در این بحث پیشنهاد کننده محترم آقای قی زاده بوده اند

بنده عرض میکنم اگر آقایان مایل باشند وقت را بایشان بدهند تا جواب همه مغالین را بدهند و این یک چیز خوبی است و ضرر هم بجائی نیز نه و همه بپذیرند و آنچه ای هم که نمیدانند البته یاد میگیرند و چیزی را که در مجلس سانس را معین کرده ایم حالا ما هم را میخواهیم درست کنیم و هیچ منافاتی هم با اشکال آسمانی و زمینی و تاریخی ندارد

همی از نمایندگان - مذاکرات کافی است

نایب رئیس - آقای تدین مخالفند؟ تدین - بلی بنده مخالفم

نایب رئیس - بفرمائید تدین - بنده تصور میکنم درست مطلب توضیح شده است

بنده اساساً و اصولاً کاملاً موافق هستم با این طرح و رایرت و مخالفم فقط بایک قسمت از ماده اول است (غیر از آن قسمتهائی که آقایان مخالفین اظهار کردند) بنا بر این قبل از اینکه مخالفت خودم را نسبت بیک کلمه از ماده اول عرض کنم چون ما با بقی قسمتها موافقم لذا باید جواب آقایان مخالفین را بدهم ...

بگفتار نمایندگان - پس موافقید؟ تدین - فرق نمیکند اول آنها را می گوئیم بعد آن قسمت را و حالا از آخر میگیرم راجع به بیانات آقای کازرونی اولاً فرمودند در اینجا هیچکس نجوم نمیداند و بعد خودشان وارد شدند در مبحث سیارات و نواب و اطلاعات خودشان و بالاخره هم اشتباه کردند چون بقول آن

حکیم که گفت (ولیس فی مذهبنا بیاسی) ما معتقد بقیاس نیستیم - ایشان قیاس کردند که بنده تجارت نمیدانم البته نباید مقایسه بکنند که چون ایشان تجارت نمیدانند هیچکس در دنیا تجارت نمیداند پس بهتر این بود که ایشان هیچ داخل در مطلب نواب و سیارات نمیشدند فلسفه دیگر گفتند چه داهی دارد که این الفاظ عربی را ما تبدیل کنیم بفارسی؟

اینچادامی خیلی چیزهاست اولاً نباید از عرب هم عرب تر باشیم - شما گفتید در تمام ممالک اسلامی اساسی بروج معمول است بنده عرض میکنم اینطور نیست ... کازرونی - اینطور نگفتیم فهمیدید تدین - خوب به فهمیدم بنده عرض میکنم از عرب نباید عرب تر باشیم

شما اگر یک مملکت عربی را از مصر و شامات و بین النهرین و هم چنین سایر قسمتها که در نقاط دیگر هستند و بملت عربی متکلمند خواه مستقل خواه غیر مستقل که مسلمان هم هستند پیدا گردید که حمل و نور و جوزا را استعمال بکنند غیر از ایران من بشما حق میدهم تاریخ رسمی تمام آن ممالکی که عرب نشین است و مسلمان و مستقل و غیر مستقل هستند خصوصاً بین النهرین تمام تاریخ رومی است (دو تشرین و دو کانون و یس آنگه شبات و آذرونیسان اباراست - حوزیران و نوموزآب و ایلول - نگه هاراش کنگه ازمن یاد کار است) این را خواندم برای اینکه بدانند ما هم اصلاح داریم ... مدرس - تعارض محرم و صفر در بیع الاول است

تدین - اجازه بفرمائید ما اینجا صحبت محرم و صفر و ربیع الاول و ربیع الثانی نمیکند ما اینجا از نقطه نظر تاریخ رسمی در ممالک اسلامی صحبت میکنیم یعنی تاریخ رسمی که مبتنی است بر اصول اقتصادی و معاملات و بالاخره مربوط با اصول مقعبی نیست تمام مسلمین محرم و صفر را قبول دارند چون در یک قسمت از ماهها از چهارهستند یک قسمت از امور عادی و عادات مذهبی شان را بجا میاورند ما هم که نگفتیم از میان بردارند ما در تاریخ شمسی آنجا صحبت میکنم قسمت دیگر این است که آقای شریعتدار مدافعی بنده از تطبیق هشت قدیم با هیئت جدید یعنی منجین علمی بامتجهین سابق اینطور فرمودند که اگر ما حمل و نور و جوزا بگوئیم کبیسه ندارد

بنده عرض میکنم اینطور نیست وقتی ما قائل بسال شمسی شدیم خواه با اصطلاح حمل و نور و جوزا باشد خواه با اصطلاح یک قسمت از اروپائیا و فرانسویها زانویه و فوریه و غیر ذلک باشد قطعاً سیصد و شصت و

روز مسلم نیست و سیصد و شصت و پنجاه روز است و کبیسه دارد شریعتدار مدافعی - بنده اینطور نگفتم تدین - چرا فرمودید شما خودتان معانی بیان خوانده اید و میدانید متکلم وقتی که حرف میزند سامع باید گوش بدهد وقتی ناخطی صحبتش تمام شد آنوقت سامع حرفهایش را بزند

وقتی با بزرگ یادگیری دیگر هم داریم (لاولاب لاوالاشش مه است - لکط و کطلال شور کونه است) که تفسیر کرده اند بروج را بی دور و زوسی و یکروز سی روز و بیست و نه روز و وقتی حساب بکنید سیصد و شصت و پنجاه روز میشود در صورتیکه سال سیصد و شصت و پنجاه روز و بیست و چند دقیقه و چند ثانیه است و بالاخره هستند سه سالش

را سیصد و شصت و پنجاه روز بگیرند و سال چهارم را سیصد و شصت و شش روز بگیرند بجهت اینکه این چهار کسر وقتی با هم جمع کنید تقریباً یک روز کم میشود بنا بر این هر کاری شما بخواهید بکنید که از دست کبیسه فرار کنید نخواهد شد و حالا بنده می خواهم داخل شوم در یک قسمت های دیگر

این تاریخ جلالی را مردمان دانشمند و فاضل و حکیم و مطلع و متخصص در نجوم جمع شدند در زمان سلطان جلال الدین شاه سلجوقی با معلومات کاملی آمده اند این تاریخ را وضع کردند این تاریخ و قرارداد هیچ عیب و نقصی ندارد جز اینکه فقط مبدأ تاریخ را زمان سلطنت جلال الدین ملک شاه سلجوقی قراردادند

و علت اینکه کاملاً در ایران پیشرفت نکرد بواسطه این بود که او میخواست مبدأ تاریخ را که از هجرت قرارداد بودند از بین ببرد و زمان سلطنت خودش را مبدأ قرار بدهد

و باین جهت است که معروف شد همه تاریخ جلالی زیرا مبدأش سلطنت سلطان جلال الدین شاه است و الا هلهامه و اشخاص متعبر بودند و آمده اند اینطور قراردادند و این نتیجه فکر همان علماء است

دیگر اینکه باید حتی الامکان اجتناب کرد از یک ملأ کراتی که وارد در مباحث علمی باشد

زیرا اینجا مسائل علمی را نمیتوان کاملاً طرف بهت قرارداد و باید بطور اجمال صحبت کرد

پس وقتی که یکمده متخصص دانشمند تصدیق کردند که این مسئله خوب است باید علی الاصول صحبت کرد و اگر بنده بخواهم الان وارد شوم در تطبیق مدار بعضی زمین با این بروج علاوه بر اینکه از موضوع

خارج است و ذهن ما را کدر میکند فایده هم ندارد بنا بر این اگر ما بیاییم بگوئیم حمل و نور و جوزا را آخر اینها یک الفاظی است که تولید منافعی برای ما نمیکند در صورتی که ما الفاظ فارسی داریم و حالا از نقطه نظر ملیت نمی خواهیم یک لفظ جدیدی وضع کنیم تا اینکه تولید اشکالاتی بکنند

یک الفاظی داریم که از قدیم الایام استعمال شده است و همه هم می دانند و اینکه آقای قائم مقام فرمودند در تریز مصطلح نیست البته شاید ایشان اطلاعاتشان در قسمت ناخیه خودشان است و الا در قسمت های مهم خراسان یک بنده اطلاع دارم اصلاح و نور و جوزا را نمی فهمند چیست

بنا بر این از نقطه نظر حفظ قومیت و ملیت و آثار تاریخی یک الفاظ قشنگ خوبی است و بهتر از زمانی خرنجک و دو بیگر و خوشه و غیر ذلک است و هیچ صدمه ای هم به هیچ جا نمی خورد و بهتر این است که ما این الفاظ را قبول کنیم یعنی رسمیش کنیم و در عوض این که در این تاریخ جلالی مجبور شده اند که یک پنج روزی هم پیدا کنند باسم خسته مترقه یا پنج دزدیده که تا بیستم در ماهها برای روز شماری ندارد و آن پنج روز را تقسیم می کنیم بسیار ماههای دیگر و هیچ سکتی نه حرکت خورشید نیز نه بحر گت زمین (اهم از اینکه بگوئیم زمین دور خورشید میگردد یا بکس) و اگر امروز ما این اسامی را از بین ببریم یعنی حمل و نور و جوزا را برداریم لفظ دیگری بجایش بگذاریم ماهها بهم می خورد و نه سال بهم می خورد هشت سال و ماه هم سر جای خودش است و بالاخره نقطه اعتدال ربیعی که اول بهار است

خواه شما بگوئید فروردین و خواه بگوئید حمل آن برج در سر جای خودش در آن حال هست و مربوط باین قضیه نیست و بالاخره عقیده بنده این است که این اشکالات وارد نیست و خدشهای بجائی وارد نمی آید البته اگر بخواهیم مباحثات علمی بکنیم بیرون بهتر است اما مخالفت بنده از این جهت است چون بعضی از آقایان تصور می کنند که شاید در آتیه خدای نخواست اسامی ما هم های عربی محرم و صفر و غیر ذلک از بین برود بنا بر این بنده چون این ماده اول را کافی برای این مقصود نمی دانم بعقیده بنده باید یک کلمه در ماده اول در سطر دوم علاوه شود وقتی که آن یک

خارج است و ذهن ما را کدر میکند فایده هم ندارد بنا بر این اگر ما بیاییم بگوئیم حمل و نور و جوزا را آخر اینها یک الفاظی است که تولید منافعی برای ما نمیکند در صورتی که ما الفاظ فارسی داریم و حالا از نقطه نظر ملیت نمی خواهیم یک لفظ جدیدی وضع کنیم تا اینکه تولید اشکالاتی بکنند

یک الفاظی داریم که از قدیم الایام استعمال شده است و همه هم می دانند و اینکه آقای قائم مقام فرمودند در تریز مصطلح نیست البته شاید ایشان اطلاعاتشان در قسمت ناخیه خودشان است و الا در قسمت های مهم خراسان یک بنده اطلاع دارم اصلاح و نور و جوزا را نمی فهمند چیست

بنا بر این از نقطه نظر حفظ قومیت و ملیت و آثار تاریخی یک الفاظ قشنگ خوبی است و بهتر از زمانی خرنجک و دو بیگر و خوشه و غیر ذلک است و هیچ صدمه ای هم به هیچ جا نمی خورد و بهتر این است که ما این الفاظ را قبول کنیم یعنی رسمیش کنیم و در عوض این که در این تاریخ جلالی مجبور شده اند که یک پنج روزی هم پیدا کنند باسم خسته مترقه یا پنج دزدیده که تا بیستم در ماهها برای روز شماری ندارد و آن پنج روز را تقسیم می کنیم بسیار ماههای دیگر و هیچ سکتی نه حرکت خورشید نیز نه بحر گت زمین (اهم از اینکه بگوئیم زمین دور خورشید میگردد یا بکس) و اگر امروز ما این اسامی را از بین ببریم یعنی حمل و نور و جوزا را برداریم لفظ دیگری بجایش بگذاریم ماهها بهم می خورد و نه سال بهم می خورد هشت سال و ماه هم سر جای خودش است و بالاخره نقطه اعتدال ربیعی که اول بهار است

خواه شما بگوئید فروردین و خواه بگوئید حمل آن برج در سر جای خودش در آن حال هست و مربوط باین قضیه نیست و بالاخره عقیده بنده این است که این اشکالات وارد نیست و خدشهای بجائی وارد نمی آید البته اگر بخواهیم مباحثات علمی بکنیم بیرون بهتر است اما مخالفت بنده از این جهت است چون بعضی از آقایان تصور می کنند که شاید در آتیه خدای نخواست اسامی ما هم های عربی محرم و صفر و غیر ذلک از بین برود بنا بر این بنده چون این ماده اول را کافی برای این مقصود نمی دانم بعقیده بنده باید یک کلمه در ماده اول در سطر دوم علاوه شود وقتی که آن یک

خواه شما بگوئید فروردین و خواه بگوئید حمل آن برج در سر جای خودش در آن حال هست و مربوط باین قضیه نیست و بالاخره عقیده بنده این است که این اشکالات وارد نیست و خدشهای بجائی وارد نمی آید البته اگر بخواهیم مباحثات علمی بکنیم بیرون بهتر است اما مخالفت بنده از این جهت است چون بعضی از آقایان تصور می کنند که شاید در آتیه خدای نخواست اسامی ما هم های عربی محرم و صفر و غیر ذلک از بین برود بنا بر این بنده چون این ماده اول را کافی برای این مقصود نمی دانم بعقیده بنده باید یک کلمه در ماده اول در سطر دوم علاوه شود وقتی که آن یک

خواه شما بگوئید فروردین و خواه بگوئید حمل آن برج در سر جای خودش در آن حال هست و مربوط باین قضیه نیست و بالاخره عقیده بنده این است که این اشکالات وارد نیست و خدشهای بجائی وارد نمی آید البته اگر بخواهیم مباحثات علمی بکنیم بیرون بهتر است اما مخالفت بنده از این جهت است چون بعضی از آقایان تصور می کنند که شاید در آتیه خدای نخواست اسامی ما هم های عربی محرم و صفر و غیر ذلک از بین برود بنا بر این بنده چون این ماده اول را کافی برای این مقصود نمی دانم بعقیده بنده باید یک کلمه در ماده اول در سطر دوم علاوه شود وقتی که آن یک

خواه شما بگوئید فروردین و خواه بگوئید حمل آن برج در سر جای خودش در آن حال هست و مربوط باین قضیه نیست و بالاخره عقیده بنده این است که این اشکالات وارد نیست و خدشهای بجائی وارد نمی آید البته اگر بخواهیم مباحثات علمی بکنیم بیرون بهتر است اما مخالفت بنده از این جهت است چون بعضی از آقایان تصور می کنند که شاید در آتیه خدای نخواست اسامی ما هم های عربی محرم و صفر و غیر ذلک از بین برود بنا بر این بنده چون این ماده اول را کافی برای این مقصود نمی دانم بعقیده بنده باید یک کلمه در ماده اول در سطر دوم علاوه شود وقتی که آن یک

خواه شما بگوئید فروردین و خواه بگوئید حمل آن برج در سر جای خودش در آن حال هست و مربوط باین قضیه نیست و بالاخره عقیده بنده این است که این اشکالات وارد نیست و خدشهای بجائی وارد نمی آید البته اگر بخواهیم مباحثات علمی بکنیم بیرون بهتر است اما مخالفت بنده از این جهت است چون بعضی از آقایان تصور می کنند که شاید در آتیه خدای نخواست اسامی ما هم های عربی محرم و صفر و غیر ذلک از بین برود بنا بر این بنده چون این ماده اول را کافی برای این مقصود نمی دانم بعقیده بنده باید یک کلمه در ماده اول در سطر دوم علاوه شود وقتی که آن یک

خواه شما بگوئید فروردین و خواه بگوئید حمل آن برج در سر جای خودش در آن حال هست و مربوط باین قضیه نیست و بالاخره عقیده بنده این است که این اشکالات وارد نیست و خدشهای بجائی وارد نمی آید البته اگر بخواهیم مباحثات علمی بکنیم بیرون بهتر است اما مخالفت بنده از این جهت است چون بعضی از آقایان تصور می کنند که شاید در آتیه خدای نخواست اسامی ما هم های عربی محرم و صفر و غیر ذلک از بین برود بنا بر این بنده چون این ماده اول را کافی برای این مقصود نمی دانم بعقیده بنده باید یک کلمه در ماده اول در سطر دوم علاوه شود وقتی که آن یک

خواه شما بگوئید فروردین و خواه بگوئید حمل آن برج در سر جای خودش در آن حال هست و مربوط باین قضیه نیست و بالاخره عقیده بنده این است که این اشکالات وارد نیست و خدشهای بجائی وارد نمی آید البته اگر بخواهیم مباحثات علمی بکنیم بیرون بهتر است اما مخالفت بنده از این جهت است چون بعضی از آقایان تصور می کنند که شاید در آتیه خدای نخواست اسامی ما هم های عربی محرم و صفر و غیر ذلک از بین برود بنا بر این بنده چون این ماده اول را کافی برای این مقصود نمی دانم بعقیده بنده باید یک کلمه در ماده اول در سطر دوم علاوه شود وقتی که آن یک

خواه شما بگوئید فروردین و خواه بگوئید حمل آن برج در سر جای خودش در آن حال هست و مربوط باین قضیه نیست و بالاخره عقیده بنده این است که این اشکالات وارد نیست و خدشهای بجائی وارد نمی آید البته اگر بخواهیم مباحثات علمی بکنیم بیرون بهتر است اما مخالفت بنده از این جهت است چون بعضی از آقایان تصور می کنند که شاید در آتیه خدای نخواست اسامی ما هم های عربی محرم و صفر و غیر ذلک از بین برود بنا بر این بنده چون این ماده اول را کافی برای این مقصود نمی دانم بعقیده بنده باید یک کلمه در ماده اول در سطر دوم علاوه شود وقتی که آن یک

خواه شما بگوئید فروردین و خواه بگوئید حمل آن برج در سر جای خودش در آن حال هست و مربوط باین قضیه نیست و بالاخره عقیده بنده این است که این اشکالات وارد نیست و خدشهای بجائی وارد نمی آید البته اگر بخواهیم مباحثات علمی بکنیم بیرون بهتر است اما مخالفت بنده از این جهت است چون بعضی از آقایان تصور می کنند که شاید در آتیه خدای نخواست اسامی ما هم های عربی محرم و صفر و غیر ذلک از بین برود بنا بر این بنده چون این ماده اول را کافی برای این مقصود نمی دانم بعقیده بنده باید یک کلمه در ماده اول در سطر دوم علاوه شود وقتی که آن یک

خواه شما بگوئید فروردین و خواه بگوئید حمل آن برج در سر جای خودش در آن حال هست و مربوط باین قضیه نیست و بالاخره عقیده بنده این است که این اشکالات وارد نیست و خدشهای بجائی وارد نمی آید البته اگر بخواهیم مباحثات علمی بکنیم بیرون بهتر است اما مخالفت بنده از این جهت است چون بعضی از آقایان تصور می کنند که شاید در آتیه خدای نخواست اسامی ما هم های عربی محرم و صفر و غیر ذلک از بین برود بنا بر این بنده چون این ماده اول را کافی برای این مقصود نمی دانم بعقیده بنده باید یک کلمه در ماده اول در سطر دوم علاوه شود وقتی که آن یک

کلمه علاوه شد آنوقت ماههای قمری هم کاملاً تأمین می شود و سر جای خودش هست فقط این تاریخ رسمی دولتی است. آن یک کلمه هم لفظ شمس است که در اینجا کسر دارد و باید نوشته شود از نوروز هزار و سیصد و چهار تاریخ شمس رسمی سالیانه.

این بود نظریه بنده. بعضی از نمایندگان - مذاکرات کافی است. **مدير الملک**. بنده مخالفم **نایب رئیس** - با کفایت مذاکرات مخالفید؟

ندارد. تقاضا دارم اولاً تصویب فرمائید فوریت آن را یعنی يك شور بشود ثانیاً در همین جلسه تصویب شود و علاوه بر اینکه مسئله از یاد عبادت ضروری و فوری است

این نظامنامه قوانینی که از مجلس میگذرد باید در شور در آنها شود مگر در مواردی که موجباتی برای فوریت پیدا شود و آنهم يك فوریتش این است که فقط بکشور در مجلس بشود

و این کلمه قطعاً باید باشد زیرا اگر نباشد ممکن است در آتی سوه تمیز نسبت به این قانون بشود.

مدير الملک. بنده هم مخالفم. **نایب رئیس** - بفرمائید. **مدير الملک**. نظر باینکه به مقدمه می آید باید لزوم وعدم لزوم آن معین شود تا بتوان در آن رای داد و از این صحبت ها حسن این لایحه یا عدم لزوم آن هنوز برای بنده مشخص نشده است که به این لایحه رای بدهم یا ندهم از این جهت مخالفم.

یکی از علل فوریت آن این است که کمک خواهد کرد که مازودتر بودجه سال آتی را بتوانیم بمجلس تقدیم نمائیم و البته آقایان هم تصویب خواهند فرمود. (لایحه مزبور بشرح ذیل قرائت شد)

یعنی برود بکمیسیون مربوطه و بعد برگردد بمجلس و مجلس رای بدهد فوریت دوم این است که هیچ در کمیسیون نرود بنا بر این باصلاح ماو مطابق نظامنامه اصل کلی این است که در تمام لایحه ای که از طرف دولت یا نمایندگان تقدیم مجلس شورای ملی میشود

در مباحث بنده سوه تمیز شده است **نایب رئیس** - اگر توضیح نظامنامه دارید بفرمائید. **شریعتمدار امامانی** - بنده توضیح ندارم بفرمائید. **شریعتمدار** - آقا تصور فرمودند که بنده يك طرفداری داشتم از تاریخ جلالی و خسه مترقه که می فرمائید اگر خسه مترقه را برداریم طوری نخواهد شد. این اشتباه است.

بنده از خسه مترقه طرفداری نکردم زیرا خسه مترقه اصلاً مربوط به تاریخ برجی نیست. خسه مترقه مربوط به ماههای جلالی است که هر ماهی را سی روز می گیرند آن وقت سال می شود سیصد و شصت و دو روز آن پنج روز خسه مترقه میگیرند و پنج ساعت و کسری را هر چهار سال يك مرتبه جمع می کنند آن سال سیصد و شصت و شش روز می شود.

لایحه قانونی اصلاح قانون مالیات دخانیات مصوب ۶ میزان ۱۳۳۳ ماده اول - از کلیه اقسام و انواع توتون و تنباکو که در خاک ایران بعمل می آید برای استعمال تهیه شده مالیات دخانیات مأخوذ میگردد

باید در شور بشود مگر در صورتیکه حقیقه موجباتی از برای نسخ این قاعده کلی در بین باشد. خوب - حالا حساب میکنیم آنچه بنده شنیدم این لایحه اتفاقاً متضمن يك مقدمه ای نیست که ایجاب کند فوریت را در صورتیکه لایحه قانونی آن لایحه ایست که در مقدمه اش مطالبی باشد که ایجاب کند فوریت آن را اتفاقاً لایحه آقای وزیر مالیه راجع بفوریتش این بود که نظر باینکه این اصلاح قانون قدیم است و نظر باینکه این اصلاح چندان محتاج به مطالعه نیست از این جهت باید بفوریت بدو معنی باید در مجلس مذاکره شود.

بنده از خسه مترقه طرفداری نکردم زیرا خسه مترقه اصلاً مربوط به تاریخ برجی نیست. خسه مترقه مربوط به ماههای جلالی است که هر ماهی را سی روز می گیرند آن وقت سال می شود سیصد و شصت و دو روز آن پنج روز خسه مترقه میگیرند و پنج ساعت و کسری را هر چهار سال يك مرتبه جمع می کنند آن سال سیصد و شصت و شش روز می شود.

بنده از خسه مترقه طرفداری نکردم زیرا خسه مترقه اصلاً مربوط به تاریخ برجی نیست. خسه مترقه مربوط به ماههای جلالی است که هر ماهی را سی روز می گیرند آن وقت سال می شود سیصد و شصت و دو روز آن پنج روز خسه مترقه میگیرند و پنج ساعت و کسری را هر چهار سال يك مرتبه جمع می کنند آن سال سیصد و شصت و شش روز می شود.

بنده از خسه مترقه طرفداری نکردم زیرا خسه مترقه اصلاً مربوط به تاریخ برجی نیست. خسه مترقه مربوط به ماههای جلالی است که هر ماهی را سی روز می گیرند آن وقت سال می شود سیصد و شصت و دو روز آن پنج روز خسه مترقه میگیرند و پنج ساعت و کسری را هر چهار سال يك مرتبه جمع می کنند آن سال سیصد و شصت و شش روز می شود.

بنده از خسه مترقه طرفداری نکردم زیرا خسه مترقه اصلاً مربوط به تاریخ برجی نیست. خسه مترقه مربوط به ماههای جلالی است که هر ماهی را سی روز می گیرند آن وقت سال می شود سیصد و شصت و دو روز آن پنج روز خسه مترقه میگیرند و پنج ساعت و کسری را هر چهار سال يك مرتبه جمع می کنند آن سال سیصد و شصت و شش روز می شود.

پیشنهاد میشود وزراء یا صاحب طرح یا یکی از نمایندگان میتواند از مجلس فوریت آنرا تقاضا نماید. البته تصدیق فرمائید که در اینجا نوشته نشده است يك لایحه که مربوط بمالیات و غیر مالیات است بطور کلی هر طرحی را میتواند تقاضای فوریت میکنند. اما اینکه بفرمائید آقای وزیر مالیه يك دليل کافی فرمودند. هیچ دلیلی بهتر از این نیست که ما وارد سال جدید میشویم و مجلس و دولت محتاج بيك اصلاحاتی هستند که آن اجلاعات هم محتاج بوضع این قبیل لایحه ایست

هر جلسه تشکیل شود که سکتی در امر مالی وارد نشود. **نایب رئیس** - عده برای رای کافی نیست. بعد باید اطلاع داد (مجلس يك ساعت و نیم بعد از ظهر ختم شد) **نایب رئیس مجلس شورای ملی** **موتن الملک** **منشی** **علی اقبال الممالک** **منشی** **معظم السلطان**

زودتر موافقت کنم و عملی تر هم بود که منحصراً بدولت باشد. **و یک نفری هم دولت خودش برای فروش تنباکو معین کند مثل سوخته ترواک که منحصراً بخودش است که هر کس سوخته دارد تحویل می دهد بدولت و متقانی سه شاهی یا یکقران میگیرد دولت هم متقالم سه شاهی یا یکقران میفروشد این ترتیب بشنظر عملی تر می آید**

صورت مشروح مجلس مصوب سه شنبه بیست و هفتم برج حوت ۱۳۰۲ مطابق بیست و یکم شعبان المعظم **مجلس نيم ساعت قبل از غروب برپاست آقای سهام السلطان نایب رئیس تشکیل گردید** **نایب رئیس** - چون صورت جلسه صبح حاضر نشده در جلسه بعد قرائت خواهد شد

صورت مشروح مجلس مصوب سه شنبه بیست و هفتم برج حوت ۱۳۰۲ مطابق بیست و یکم شعبان المعظم **مجلس نيم ساعت قبل از غروب برپاست آقای سهام السلطان نایب رئیس تشکیل گردید** **نایب رئیس** - چون صورت جلسه صبح حاضر نشده در جلسه بعد قرائت خواهد شد

صورت مشروح مجلس مصوب سه شنبه بیست و هفتم برج حوت ۱۳۰۲ مطابق بیست و یکم شعبان المعظم **مجلس نيم ساعت قبل از غروب برپاست آقای سهام السلطان نایب رئیس تشکیل گردید** **نایب رئیس** - چون صورت جلسه صبح حاضر نشده در جلسه بعد قرائت خواهد شد

راجع بلایحه دخانیات که صبح مطرح مذاکره بود راجع بفوریتش مذاکرات کافی شد و چون عده برای رای کافی نبود رای گرفته نشد

راجع بلایحه دخانیات که صبح مطرح مذاکره بود راجع بفوریتش مذاکرات کافی شد و چون عده برای رای کافی نبود رای گرفته نشد

راجع بلایحه دخانیات که صبح مطرح مذاکره بود راجع بفوریتش مذاکرات کافی شد و چون عده برای رای کافی نبود رای گرفته نشد

راجع بلایحه دخانیات که صبح مطرح مذاکره بود راجع بفوریتش مذاکرات کافی شد و چون عده برای رای کافی نبود رای گرفته نشد

راجع بلایحه دخانیات که صبح مطرح مذاکره بود راجع بفوریتش مذاکرات کافی شد و چون عده برای رای کافی نبود رای گرفته نشد

راجع بلایحه دخانیات که صبح مطرح مذاکره بود راجع بفوریتش مذاکرات کافی شد و چون عده برای رای کافی نبود رای گرفته نشد

راجع بلایحه دخانیات که صبح مطرح مذاکره بود راجع بفوریتش مذاکرات کافی شد و چون عده برای رای کافی نبود رای گرفته نشد

راجع بلایحه دخانیات که صبح مطرح مذاکره بود راجع بفوریتش مذاکرات کافی شد و چون عده برای رای کافی نبود رای گرفته نشد

راجع بلایحه دخانیات که صبح مطرح مذاکره بود راجع بفوریتش مذاکرات کافی شد و چون عده برای رای کافی نبود رای گرفته نشد

يك قسمت راجع بتأمینات مادی این مملکت است که بوسیله قشون و قوای تأمینات بعمل می آید و خوشبختانه عایدات ارضی بضمیمه گمرک برای این مخارج کافی است

زیرا گمرک تقریباً در حدود شش یا هفت کروڑ عایدی دارد مالیات ارضی هم با ممیزی میرسد به ده یا نوزده کروڑ بنا براین این نه میلیون الی یازده میلیون را که ملت و دولت تخصیص داده است برای قسمت تأمینات این مالیات کفایت میکند و زیاده از این چونکه ما نمی دانیم مصرفش چیست و هنوز دولت مصرفش را معین نکرده نمی توانیم تصویب کنیم

آقای وزیر مالیه فرمودند وضع این مالیات برای کس بود چه سته آتی است بدیهی است هنوز بودجه نیامده است که ما بدانیم آیا کس در داریم یا نداریم

ما وقتیکه ملاحظه می کنیم بودجه این سنه ۱۳۴۳ را نگاه می کنیم می بینیم که ارقام برجسته خرج یکی قشون و تأمینات است

این قسمت را بنده عقیده ام این است که مطابق ترتیب امسال مال سال آتی به راهم همان طور علیحدہ رأی بدهیم

واما راجع بسایر قسمت های که هنوز وجود و بقا نشان برای مملکت معروض مسلم نیست بنده نمی توانم از طرف خود یا دیگران اظهار عقیده کنم و بگویم که آیا این مملکتی که پول نیست اگر یک نفر کاسب یا زارع تحصیل کنیم پس مخالفت بنده یکی روی این اصل است که باید آن مالیاتی که مردم میدهند برای خرج های ضروری این مملکت باشد

یکی دیگر از خرج های ضروری این مملکت قسمت معارف است که تقریباً صد هزار تومان صرف معارف میشود در حدود همان یازده میلیون خرج تأمینات میشود حساب کرد و مابقی که سیزده الی چهارده میلیون است معلوم نیست مصرفش چیست و معارفش برای این مملکت چیست

بنابراین بنده این مخارج را زائد میدانم و علاوه نباید يك مالیات جدیدی وضع شود

چیز دیگری که بنده را بمخالفت با این قانون واداشته است این است که بنده مال نهانند مستميك قسمت عمده نهانند که بدبخت ها امیر و گرفتار اشرار شده اند و چیزی که از آنها مانده همین مسئله تنباکو است و قیمت تنباکو در آن جا حد املاش از ضروری هفت تومان است الی بیست تومان آن وقت این مالیات میگوید کسی که يك من تنباکو دارد وقتیش می شایه بیشتر نیست یا کمتر یا بیشتر باید چهار قران بدهد

بدیهی است که این وضع مالیات وجه من الوجوه عادلانه نیست و از طرف دیگر

آقایان که در قسمت غریب هستند میدانند قسمت عمده توتون خوبی کدر آن جاما آید از يك قسمت بنه النهرین و کردستان عثمانی می آید و اگر بنا شود این مالیات وضع شود سبب میشود که بکلی عایدات داخلی ماز بپن میرود و تنباکو و توتون که مال خارجه است بصرف میرسد

این است که بنده در روی این دو اصل با این لایحه مخالفم و عقیده ام این است که اصلاح این لایحه نباید وضع شود

ناصر الاسلام - آقایان مذاکرات در کلیات است ما وارد مواد شده ایم

آقای شیخ جلال - این مخالفت بنده بود راجع به اصل وضع مالیات عموماً و وضع این مالیات خصوصاً و اما در ماده دوم که نوشته است هر کس يك من تنباکو دارد یا سستی چهار قران بدهد بنده خیال میکنم اگر آقایان مراجعه کنند به پنجار تنباکو فروش تصدیق میفرمایند که يك قسمتی در نزد کاشان نهانند. خرم آباد

کلیاتیکان و تمام این جاها تنباکو يك من يك قران است الی دوقرآن و آن وقت يك صده اشخاصی که جنشان راد و قران نمیخرند چگونه میشود تحویل کرد که يك من چهار قران بدهند

نظر دیگری که بعضی آقایان میرسانم این است که حقیقه امروز در مملکت مایول نیست

ممکن است بگوئیم نصف عایداتی که دارنده بگیرند اما جنس بگیرند زیرا در مملکتی که پول نیست اگر یک نفر کاسب یا زارع تحصیل کنیم و بگوئیم تمام محصولات را بده بهتر از این است که گفته شود باید پول بدهید

چرا؟ برای اینکه جنس يك چیزی است که در قدرت او هست ولی با این ترتیب مجبور می شود عایدات دیگر و سایر مالیات خود را بفروشد و مالیات بدولت بدهد

این است که بنده با ماده دو مخالفم و يك پیشنهادی در این خصوص دارم که تقریباً توتون سیگار يك من دوقرآن و چیق يك قران و تنباکو يك من ده شاهی و در موقع پیش نهاد توضیحات خود را عرض میکنم

وزیر فواید عامه - از بیانات آقای آقا شیخ جلال اگر يك کسی مطلع نمی بود همچو ممکن بود درك کند که امروز مجلس شورای ملی تازه دارد يك مالیات جدیدی بر دخانیات وضع میکند و این جهت ایشان مخالفت میفرمایند و میفرمایند این مالیات نباید وضع شود در صورتیکه ایشان نباید فراموش کنند که این مالیات مدتی است در این مملکت هست و حقیقه اگر در لایحه که پیشنهاد شده است دقت کنند چند قوه اصلاح است که يك اصلاح مهمش تبدیل مالیات جنسی است نه نقدی

ممکن است البته در ضمن رسیدگی به بلغی که در ماده دوم پیشنهاد شده است بعضی از آقایان اختلاف نظر داشته باشند

یعنی بفرمایند مالیاتی که پیشنهاد شده است تناسب قطعی کامل با صدی سی و صدی بیست ندارد

شاید اگر فقط ملاکرات در همین زمینه بشود بعد از تبادل نظر و تعاطی فکر ممکن شود يك راه حلی که موجب موافقت نظر طرفین باشد بدست آورده ولی بالاخره باید بداند که این مالیات تازه نیست و این اصل را باید فراموش کرد و باید بدینم که این تبدیل مالیات جنسی است نه نقدی حالا وارد شویم در اعتراضاتی که آقای آقا شیخ جلال فرمودند

اولاً اسم مالیات را که از مردم اخذ میشود جز به گذاشته بقیه من در يك مملکت آزادی اسم مالیات را نمیتواند جز به گذاشت

مالیات مساعدت و مشارکتی است که هر يك از افراد مملکت برای نگاهداری مؤسسات مملکت خودشان می نمایند و این جزیه نیست و از روی کمال رغبته و میل این رامیکنند و باید هم بکنند

زیرا که مؤسسات مملکت محتاج به خرج است و افراد حساس يك مملکتی نباید بگذارند مخارج مملکتشان از جاهای دیگر تهیه شود بلکه باید خودشان مخارج خود را تقبل کنند و وقتی این تقبل را کردند اسم مالیات را نمیشود جز به گذاشت

يك اصل دیگری که بنظرشان مسلم بود فرمودند این بود که ابتدا باید خرج معین شود بعد دخل

این اصل هم صحیح است و هم صحیح نیست این اصل صحیح است در مالکی که تمام احتیاجات خودشان را در ضمن عمل پیش بینی کرده اند و متدرجاً تأمین کرده اند و آن وقت میخواهند احتیاجات فرعی خودشان را تأمین کنند مخارج احتیاجات اصلی و فرعی خود را مرتب میکنند و بعد بتناسب آن خرج دخل پیش بینی میکنند اما در مملکت ایران هنوز این اصل نیست و این اصل غلط است در مملکت ایران که صدی و سی شش هزار تومان فقط خرج صدها میشود

در مملکت ایران که ششصد هزار و خورده فقط صرف معارفش میشود

در مملکت ایران که قریب سیصد و پنجاه شش هزار تومان خرج راه سازی آن میشود آیا میتوان گفت که این مملکت هواد اضافی لازم ندارد

پس بدون رسیدگی به اقلام خرج میتوان گفت که این مملکت عایدی لازم دارد این مملکت عایدی خودش را با بدهد

مقابل امروزه نکند نمی توان این مملکت خودش اجازه بدهد که در طریق ترقی سیر کند

پس بنابراین این اصل هم که در سایر جاها حقیقه مسلم است که اول باید خرج را در نظر گرفت و بعد عایدات را پیدا کرد

این اصل در مملکت ایران مصداق ووجه خارجی ندارد در مملکت ما باید صدی سی و صدی عایدات را زیاد کرد

فرمودند مخارج ضروریه که هست فقط قسمت تأمینات است بنده هم با ایشان موافقم مخارجیکه برای قوه تأمین این کشور است باید خشک شود و حاضر کوچک جمعی می شود که دست يك تاجری که سرمایه از همه ما بیشتر است و برای آن تاجر هم دادن مالیات تحمیلی نیست و وقتیکه موقع استعمال این تنباکو است آن وقت از آن شخص این مالیات را بگیرند

پس در این جا نه تحمیلی برزراع شده است و نه تحمیلی بر آن خرنده اولی بوده است

پس این اعتراض ایشان وارد نیست اعتراض دیگری که فرمودند این بود که اساساً این مالیات زیاد است راست است من هم تصدیق میکنم که زیاد است اما ایشان نباید فراموش بفرمایند که تمام ملل مختلفه دنیا در برقرار کردن مالیات دواصل را امتحان می کنند و این دو اصل نسبت بهم متضاد است یکی اصل تسهیلی است که در همین اینکه میخواهند يك حقی بگیرند

خود آن مال التجاره و محصول را نمی خواهند از بین ببرند می خواهند نشر و استعمال آن را تشویق بنمایند و اگر فرض بفرمایند شما بخواهید مالیاتی بر گندم وضع کنید البته نباید مالیات بر گندم وضع کرد و اگر هم می خواهید وضع کنید باید بشهرداری قلیل باشد که محسوس نباشد

يك اصل دیگر مالیات منعی است که مخصوصاً مالیات زیاد بر بعضی چیزها تحویل می شود که حتی الامکان کم شود نه اینکه تشویق شود و فقط در يك مورد تشویق می کنند و آن نسبت بمصادرات است یعنی آن مال التجاره که اساساً برای مصرف داخله مضر است و هیچ دولتی مایل نیست آن را در داخله خودش استعمال کند

ولی چون هیچ دولتی هم مقید نیست حفظ الصحه سایر ممالک را منظور و مراعات کند يك تسهیلاتی فراهم می کند که بتوانند آن را به خارج حمل کنند یعنی همان اصلی که در این لایحه منظور شده است

یعنی تمام تنباکو و توتون که از خاک ایران

بی چاره قادر نخواهد بود که این مالیات گراف را نقدی بدهد

ولی اگر در یکی از مواد دیگر دقت میکردند ملاحظه میفرمودند که این مالیات نه تنها از زارع گرفته نمی شود بلکه از تاجر خرنده دست اول هم گرفته نمی شود

پس بیستم این مالیات از کی گرفته می شود

زارع تنباکو خودش را جمع می کند و به رقبته می گذارد می خواهد بتاجری می فرودد آن وقت اگر توتونست باید برده شود و اگر تنباکو است باید خشک شود و حاضر کوچک جمعی می شود که دست يك تاجری که سرمایه از همه ما بیشتر است و برای آن تاجر هم دادن مالیات تحمیلی نیست و وقتیکه موقع استعمال این تنباکو است آن وقت از آن شخص این مالیات را بگیرند

پس در این جا نه تحمیلی برزراع شده است و نه تحمیلی بر آن خرنده اولی بوده است

پس این اعتراض ایشان وارد نیست اعتراض دیگری که فرمودند این بود که اساساً این مالیات زیاد است راست است من هم تصدیق میکنم که زیاد است اما ایشان نباید فراموش بفرمایند که تمام ملل مختلفه دنیا در برقرار کردن مالیات دواصل را امتحان می کنند و این دو اصل نسبت بهم متضاد است یکی اصل تسهیلی است که در همین اینکه میخواهند يك حقی بگیرند

خود آن مال التجاره و محصول را نمی خواهند از بین ببرند می خواهند نشر و استعمال آن را تشویق بنمایند و اگر فرض بفرمایند شما بخواهید مالیاتی بر گندم وضع کنید البته نباید مالیات بر گندم وضع کرد و اگر هم می خواهید وضع کنید باید بشهرداری قلیل باشد که محسوس نباشد

يك اصل دیگر مالیات منعی است که مخصوصاً مالیات زیاد بر بعضی چیزها تحویل می شود که حتی الامکان کم شود نه اینکه تشویق شود و فقط در يك مورد تشویق می کنند و آن نسبت بمصادرات است یعنی آن مال التجاره که اساساً برای مصرف داخله مضر است و هیچ دولتی مایل نیست آن را در داخله خودش استعمال کند

ولی چون هیچ دولتی هم مقید نیست حفظ الصحه سایر ممالک را منظور و مراعات کند يك تسهیلاتی فراهم می کند که بتوانند آن را به خارج حمل کنند یعنی همان اصلی که در این لایحه منظور شده است

یعنی تمام تنباکو و توتون که از خاک ایران

بخارجه حمل می شود از این مالیات معاف شده است

اما از نقطه نظر استعمال داخلی باید این مالیات را بگیرند

آقایان فرمایند این مالیات زیاد است خوب بدی این زیادی مالیات چیست اگر بدیش این است که يك عمده بواسطه گرانای توتون و تنباکو از کشیدن آن صرف نظری می کنند

این که بسیار چیز خوبی است و اگر دولت موفق شود يك مالیاتی برقرار کند که در ضمن اینکه عوائد خودش را زیاد می کند حفظ الصحه افراد مملکت را هم مراعات کرده باشد

باید قدر دانی کرد و باید يك هیچ لایحه قانونی را استقبال کرد نه اینکه بگوئید ما مخالفیم برای اینکه این مالیات سنگین است

مگر این مالیات بر احتیاجات ابتدایی است که میفرمایند سنگین است مالیات بر توتون و تنباکو همان چیزیست که تمام مسالک دنیا ندارند صدی دو بیست مالیات بر آن وضع می کنند پس همان طور که عرض کردم نه تحویل بر زارع و نه تحویل بر خرنده دست اول است و نه از صادرات چیزی میبکاهد بلکه آنرا تشویق می کند و بر واردات خارجی چیزی می افزاید زیرا همان تحمیلی که بر محصول داخلی می شود و هم مناسب با حفظ الصحه مردم است

جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است

بعضی از نمایندگان - کافی نیست

نایب رئیس - برای میگیریم بکفایت مذاکرات

آقایان اینکه تصویب میکنند قیام فرمایند (اغلب برخاستند)

نایب رئیس - معلوم می شود کافی است پیش نهاد ما بدو اقرأقت میشود بدیهی یکی مطرح میشود (شرح ذیل خوانده شد)

پیشنهاد آقای مدرس پیشنهاد میکنم بماده دوم اضافه شود

تبصره در صورتیکه مالیات تنباکو یا توتون از نصف قیمت عادلانه آن جنس تجاوز نماید مالیات آن بنصف تنزل خواهد نمود

پیشنهاد آقای معظم السلطان - بنده پیشنهاد می کنم تبصره ذیل ماده دوم ضمیمه شود

در هر محلی که قیمت تنباکو و توتون کمتر از ۴ برابر مالیات موضوعه است توتون سیگار منی ۶ قران تنباکو دریافت می نماید

پیشنهاد آقای تهرانی - این بنده پیشنهاد می نمایم که مالیات بر توتون و تنباکو بطریق ذیل وضع شود

تنباکو گوی عالی يك تومان متوسط

پست دوقرآن

توتون چیق عالی يك من دوقرآن

متوسط يك تومان

پست چهار قران

توتون سیگار عالی ۲۵ قران

متوسط دوقرآن

پست ۵ قران

پیشنهاد شاهزاده غلامحسین میرزا - بنده ماده دوم را اینطور پیشنهاد میکنم از کلیه توتون و تنباکو معادل ۵۰ درصد قیمت مالیات دریافت میشود

پیشنهاد آقای صدر العلماء پیشنهاد میکنم که در بین توتون و تنباکو اعلا و وسط و پست در اخذ مالیات فرق و تفاوت گذارده شود و عادلانه تقسیم بندی نمایند

پیشنهاد آقای احتشام العلماء - در موضوع مالیات دخانیات بنده پیشنهاد می کنم صدی ۵۰ از خریدار گرفته شود

پیشنهاد آقای آقا شیخ جلال - بنده پیشنهاد میکنم توتون سیگار يك من دو دوقرآن

چیق يك من يك قران

تنباکو يك من ده شاهی

پیشنهاد آقای اجاق - پیشنهاد میکنم در ماده دوم چنانچه صاحب تنباکو حاضر نباشد من چهار هزار بدهد نصف از تنباکو مختار باشد در دادن من چهار هزار یا نصف از جنس خود که تنباکو است

پیشنهاد آقای صدر العلماء پیشنهاد میکنم که از توتون چیق اعلا يك تومان و از غیر اعلا پنج قران و از توتون سیگار اعلا يك تومان و از وسط پنج قران و از پست ۴ قران مالیات دغان گرفته شود

پیشنهاد آقای صدر العلماء پیشنهاد میکنم که کی استوان - بنده پیشنهاد میکنم که مالیات سیگار بجای يك من یا نوزده قران يك من دوازده قران و يك من هشت قران نوشته شود اعلا دوازده قران بقیه هشت قران

پیشنهاد آقای آقا آقا شیخ جلال - بنده پیشنهاد می نمایم که ماده دوم بطریق ذیل اصلاح شود

توتون سیگار صدی سی از همین توتون چیق صدی بیست از همین تنباکو سیگار صدی بیست از همین

ایشان پیشنهاد آقای آقا شیخ جلال - بنده پیشنهاد می نمایم که در ذیل ماده دوم اضافه شود

در هر محلی که قیمت تنباکو و توتون کمتر از ۴ برابر مالیات موضوعه است توتون سیگار منی ۶ قران تنباکو دریافت می نماید

پیشنهاد آقای تهرانی - این بنده پیشنهاد می نمایم که مالیات بر توتون و تنباکو بطریق ذیل وضع شود

تنباکو گوی عالی يك تومان متوسط

مباید مطابق توتون سیگار مالیات وضع شود و برای بقیه توتون های چیقی کلیتاً که مخصوص زارعتین و فقرا است چهار قران مالیات اخذ شود

پیشنهاد آقای شیروانی - بنده پیشنهاد می کنم ماده دوم بطریق ذیل اصلاح شود

ماده دوم - از تاریخ تصویب این قانون دولت خرید ر فروش توتون و سیگار و تنباکو بصرف داخلی را بخود انحصار داده و صدی هفتاد و پنج باقیمانده مالیات بر قیمت آن خواهد افزود

تبصره مدت اجرای این ماده ۳ سال خواهد بود

نایب رئیس - پیشنهاد شاهزاده غلامحسین میرزا و آقای احتشام العلماء هر دو يك مضمونست قرائت و مطرح میشود (پیشنهاد آقایان احتشام العلماء و غلامحسین میرزا شرح سابق قرائت شد)

بعضی از نمایندگان - پیشنهاد آقای مدرس مقدم تر است

نایب رئیس - پیشنهاد ایشان تبصره است بدم مطرح می شود

آقای غلامحسین میرزا (اجازه)

غلامحسین میرزا - بنده شخصاً معتقدم این لایحه را که دولت پیشنهاد کرده است که بر هر منی از تنباکو چهار قران مالیات وضع شود بر عایدات دولت افزوده نخواهد شد

این جهت این پیشنهاد را کردم و تصور میکنم اگر از قیمت تنباکو صدی پنجاه دریافت کنند هم عایدات فعلی دو برابر می شود و هم مسئله تقدیم در پیش نخواهد بود

وزیر فواید عامه اگر شاهزاده غلامحسین میرزا بتوضیحاتی که امروز صبح داده شد توجه میفرمودند این پیشنهاد را نمیفرمودند زیرا یکی از عللی که موجب پیشنهاد این لایحه شده است همین اشکال است زیرا در اینجا دولت دو اشکال دارد

یکی اینکه باید دولت عین جنس را بگیرد آن وقت باید انبار دار و تاجر تنباکو باشد و این فائده ندارد و اسباب زحمت برای دولت است

برای اینکه دولت همیشه مجبور است بیزارشکنی کند و بازار توتون و تنباکو را بشکند که خودش تجارت کند پس اساساً باید متقاعد شد که توتون و تنباکو را دولت جنس بگیرد

بلکه مالیات دولت را نقدی داد و این اصل را هم باید عمومیت داد و اگر سابقاً مرسوم بوده است دولت در هر جایی انبار گاه وجود پنجاه و گنده و چه وجه داشته است آنگاه باید متوقف نمود و مالیات مملکتی را بایستی نقدی و بکنواخت کرد

و این پیشنهاد شاهزاده این قسمت را هم

پس این اعتراض ایشان وارد نیست

اعتراض دیگری که فرمودند این بود که اساساً این مالیات زیاد است راست است من هم تصدیق میکنم که زیاد است اما ایشان نباید فراموش بفرمایند که تمام ملل مختلفه دنیا در برقرار کردن مالیات دواصل را امتحان می کنند و این دو اصل نسبت بهم متضاد است یکی اصل تسهیلی است که در همین اینکه میخواهند يك حقی بگیرند

خود آن مال التجاره و محصول را نمی خواهند از بین ببرند می خواهند نشر و استعمال آن را تشویق بنمایند و اگر فرض بفرمایند شما بخواهید مالیاتی بر گندم وضع کنید البته نباید مالیات بر گندم وضع کرد و اگر هم می خواهید وضع کنید باید بشهرداری قلیل باشد که محسوس نباشد

يك اصل دیگر مالیات منعی است که مخصوصاً مالیات زیاد بر بعضی چیزها تحویل می شود که حتی الامکان کم شود نه اینکه تشویق شود و فقط در يك مورد تشویق می کنند و آن نسبت بمصادرات است یعنی آن مال التجاره که اساساً برای مصرف داخله مضر است و هیچ دولتی مایل نیست آن را در داخله خودش استعمال کند

ولی چون هیچ دولتی هم مقید نیست حفظ الصحه سایر ممالک را منظور و مراعات کند يك تسهیلاتی فراهم می کند که بتوانند آن را به خارج حمل کنند یعنی همان اصلی که در این لایحه منظور شده است

یعنی تمام تنباکو و توتون که از خاک ایران

تأمین نسیکند چرا ؟
برای اینکه شما اگر بخواهید صدی پنجاه قیمت جنس را از من که تاجر توتون و تنباکو هستم بگیریید باید آن را تقویم کنید برای اینکه معین کنید که صدی پنجاه قیمت آن چقدر خواهد بود

آفتوت من که دولت هستم خواهام گفت خرواری بیست تومان و شما که صاحب جنس هستید میگوئید خیر خرواری پنج تومان.

حکم کی خواهد بود ؟ در معاملات دولتی هم که میشود بدیدلرفت یا یک حکم سومی را معین کرد و فقط بگانه راهی که برای دولت هست این است که جواب بدهد اگر در قیمت توافق نظر نداریم صدی پنجاه جنس بده

آفتوت نازه همان اشکالی پیش میآید که بنده عرض کردم و اگر این اشکال نبود بشما اطمینان میدادم که دولت این لایحه را نمیآورد و همان صدی بیست و سی خودش اکتفا می کرد

و اگر دولت قادر می شد این اشکال را رفع کند

یقین بدانید که عایدات و دخانیات لااقل پنج برابر حالا بود و از نقطه نظر همان تکثیر عایدات محتاج نبود لایحه نازه پیشنهاد کند.

قانون سابق ماصدی سی و صدی بیست بود و این پیشنهاد ایشان صدی پنجاه است و باز نازه تمام اختلافات و مشکلات سابق در باب تقویم و عایدات بپندیم ما مورین جزء بانی میماند.

پس بنا بر این بیگانه راه عمل و یگانه راه کاستن از عده مستخدمین یعنی کاستن از وسعت اداره دخانیات و رفع شکایت مردم این است که مالیات تعدی بشود.

نایب رئیس رای می گیریم پیشنهاد شاهزاده غلامحسین میرزا.

آقایانی که موافقت قیام فرمایند (عده قیام نمودند)

نایب رئیس تصویب نشد.

پیشنهاد آقای احتشام الحکماء هم ضناً رد شد.

پیشنهاد آقای صدرالعماء مطرح است.

خودشان که نیستند پیشنهاد آقای طهرانی قرائت می شود (مجدداً شرح سابق قرائت شد)

نایب رئیس - آقای طهرانی (اجازه)

آقا شیخ مجلس علی طهرانی - آقای سردار معظم بواسطه فوناطقه ای که دارند اوا را يك شكلی افاده می کنند که در وهله اولی انسان مجبور است تصدیق کند.

بنده از جهت وضع مالیات با ملاحظه سیاست دولت و حفظ استقلال مملکت و

طرفداری از دولت هیچ حرفی ندارم لکن اصل عدالت در وضع مالیات باید منظور شود.

تمام زحمانی که برای مالیات تصاعدی می کشید برای این است که میخواهید مراتب اعلی بیشتر از مراتب ادنی مالیات بدهند.

ولی امروز این مالیاتی را که دولت به این کیفیت پیشنهاد کرده است عادلانه نیست برای اینکه آن اشخاصی که تنباکوی يك من چهار تومان را میکشند باید چهارقران مالیات بدهند و همچنین کسانی که تنباکوی يك نفران دوقران می کشند آنها هم باید يك من چهارقران مالیات بدهند و این متناسب نیست برای اینکه سرمایه داری که سرمایه اش هیچ وجه من الوجود نفع برای مملکت ندارد و تنباکوی يك من چهار تومان می کشد باید چهارقران مالیات بدهد.

و آن بد بیشتر بیچاره هم که در قران میدهد يك من تنباکو بخورد آنها باید چهارقران بدهد.

و همچنین توتون چیق و سیگار آن کسانی که اشراف مآب هستند و توتونهای عالی می کشند آنها يك من يك تومان مالیات بدهند.

و آن زارع بیچاره هم که بیل میزند و زحمت میکشد و برای رفع خستگی خودش میخواهد يك چیق بکشد آنها باید يك من يك تومان مالیات بدهد و اگر بنا باشد اشخاص طبقه اول که توتونشان گیر و آنکه بیک تومان قیمت دارد مثل توتون آقای وزیر قوائد عامه پانزده قران مالیات بدهند.

و بنده هم که توتون گیر و آنکه دو قران میکشم با نوزده قران مالیات بدهم این هیچ تناسبی ندارد.

در موقع وضع مالیات باید تناسب منظور شود و مقتضی این است آنکسی که بیشتر سرمایه دارد بیشتر مالیات بدهد آنکسی که کمتر سرمایه دارد کمتر مالیات بدهد.

و اگر اصولاً دولت میخواهد برای رعایت حفظ اوضاعه جلو گیری از استعمال آن بکند آن يك ترتیبی است و بعقیده بنده اگر این ترتیب ممکن بود تمام ملل دول دنیا استعمال آنرا ممنوع کردند ولی ترك استعمال آن نمی شود.

برای اینکه افراد جامعه بواسطه خیالات و تفکراتی که دارند مجبور هستند يك معذراتی که خیلی مضر نباشد استعمال کنند.

و خود آقای امیر اعلم که اینچنان شسته اند با اینکه مضرات توتون را کاملاً می دانند معذاتک بیشتر از همه سیگار میکشند چرا برای اینکه طبیعت بشری همچوقت خوش و خرم نیست.

و گاهی مجبور است يك معذراتی استعمال کند که ممکن باشد و يك کسی که عصبانی میشود وقتی يك سیگار کشید راحت میشود.

بنابر این بنده پیشنهاد کردم توتونهای عالی بیشتر مالیات بدهند و توتونهای متوسط و متوسط توتونهای یکسهم کمتر بدهند.

این است پیشنهاد بنده.

نایب رئیس - آقای شریعت زاده (اجازه)

شریعت زاده - بنده توجه آقایان را به این مسئله جلب می کنم که نظر دولت در اصلاح قانون دخانیات فقط این بود که از اجرای عملیاتی که مستلزم صرف وقت و اشکال اجرای آن بود صرف نظر نمایند بنابر این هر پیشنهادی که مخالف این اصل باشد قابل قبول نیست.

و این پیشنهادی که آقای طهرانی داده اند تقریباً مویده همان اصل سابق است و دولت باید متحمل زحمانی بشود و ما مورین زبادی برای تشخیص طبقات تنباکو معین کند.

قسمت دیگر از اظهارات ایشان این بود که باید نسبت طبقات کارگر و رنجبر رعایت عدالت بشود و از تنباکوی که آنها میکشند باید مالیات بگیرند.

بنده تصور میکنم که اگر مقصود خدمت به افراد کارگراست بهتر این است که این لایحه را تصویب کنیم و هر قدر دولت اقداماتی بکند برای اینکه استعمال این سم کمتر بشود برای حفظ اوضاعه آنها بهتر است.

نایب رئیس - رای میگیریم پیشنهاد آقای طهرانی . آقایان موافقت قیام فرمایند.

(عدهای قیام نمودند)

نایب رئیس - تصویب نشد.

پیشنهاد آقای آقا شیخ جلال قرائت می شود.

(مجدداً شرح سابق خوانده شد)

نایب رئیس - آقای آقا شیخ جلال (اجازه)

آقا شیخ جلال - موافقت این لایحه فقط اظهاراتی که میکنند این است که می گویند در قانون سابق نظر باینکه عنوان قیمت در بین بود و تقویم آن سبب اختلاف مابین دولت و مؤذیان مالیاتی بود این بود که دولت این لایحه را پیشنهاد کرد برای اینکه این مشکلات و اختلافات رفع شود.

در صورتی که مردم پول ندارند مالیات بدهند و دولت هم فشار میآورد و برود از مردم پول میخواهد آفتوت آنها هم مجبور میشوند تمام زندگانیشان را بفروشند و مالیات دولت را بدهند.

این است که بنده پیشنهاد کردم از همین جنس هر قدر که می خواهند مالیات بگیرند و آقایانی که اطلاع از وضعیت این مملکت دارند تصدیق میکنند که در هیچ جا پول نیست و حالا که پول نیست پس باید آنچه را که مردم دارند از همان مالیات گرفت یعنی مالیات توتون و تنباکو را از عین جنس

نایب رئیس - رای میگیریم پیشنهاد آقای قائم مقام . آقایانی که موافقت قیام فرمایند.

(جمعی قیام نمودند)

نایب رئیس - تصویب نشد . پیشنهاد آقای آقا سید حسن اجاق قرائت میشود.

نایب رئیس - آقای اجاق (اجازه)

آقا سید حسن اجاق - بنده يك پیش نهاد دیگری هم تقدیم کرده ایم ولی آقای وزیر قوائد عامه این جا يك توضیحیانی دادند که مالیات جنس نباید گرفته شود بنده عرض میکنم در وقت وارد کردن توتون و تنباکو به يك شهری ممکن است این جنس بفروش نرود و صاحب آن هم پول نداشته باشد در اینجا باید يك ترتیبی فرار داد که اگر مال فروش نرفت و صاحب مال هم پول نداشته چه کار کند.

بنده يك پیشنهاد دیگری هم تقدیم کردم که چنانچه صاحب مال پول نداشته نصف جنس خود را بدو بپردازند و نصف جنس مابقی را باید در وقت فروختن جنس یا پول دار شدن مالیات آن را بدهد.

حالا این پیش نهاد را تیریل میکنم پیش نهاد دیگری که اگر جنس خود را فروخت مالیات دولت را نقدی بدهد چون گرفتن جنس برای دولت ضرر دارد و اگر جنس خود را بفروخت نصف جنس خود را با بابه محل بسیار تا وقتی که بفروش برسد.

نایب رئیس - پیش نهاد دیگری غیر از این پیش نهاد از طرف جناب عالی فرستاده است.

آقا سید حسن اجاق - بنده این **نایب رئیس** - پیش نهاد دیگر آقای آقا شیخ جلال قرائت می شود (شرح سابق خوانده شد)

نایب رئیس - آقای آقا شیخ جلال (اجازه)

آقا شیخ جلال - در ضمن مذاقته از این لایحه از طرف هیچ يك از مذاقتهین گفته نشد که عایدات این مالیات چقدر است و دولت چقدر احتیاج دارد که میخواهد این مالیات را وضع کند و چون من معتقدم که نباید از مردم پول گرفت مگر در موقع احتیاج اصرار دارند که این مالیات تصویب شود و مردم پول بگیرند این است که فقط به واسطه نقل و تحویل بمردم این پیش نهاد را کردم.

نایب رئیس - رای می گیریم پیشنهاد آقای آقا شیخ جلال . آقایان موافقت قیام فرمایند.

(چند نفری برخاستند)

نایب رئیس - تصویب نشد . پیش نهاد آقای قائم مقام الملك و کی استوان قرائت می شود.

(شرح سابق خوانده شد)

نایب رئیس - آقای قائم مقام الملك (اجازه)

قائم مقام الملك - موضوع این پیش نهاد سابقه دارد و قریب يك سال است که تلگرافاتی از اهالی رشت به مجلس و وزارت مالیه رسیده است و بنده هم مذاکراتی با وزیر مالیه کرده ام و گمان می کنم که ایشان هم با این مسئله مساعد باشند که مالیات توتون سیگار در آن جایبای ۱ من ۱۵ قران ۱۲ من ۱۳ قران و هشت قران باشد چون توتون آن جا دو نمره است.

بنابر این بنده پیش نهاد کردم که از نمره پست ۸ قران و از نمره اعلا ۱۲ قران بگیرند.

حالا بنده برای آقایان است.

نایب رئیس - رای می گیریم به پیش نهاد آقایان قائم مقام الملك و کی استوان آقایانی که موافقت قیام فرمایند.

(عده برخاستند)

نایب رئیس - تصویب نشد . پیش نهاد آقای صدر الاسلام قرائت می شود.

(شرح ذیل خوانده شد)

بنده پیشنهاد می کنم که اخذ مالیات از تنباکو و توتون سیگار در موقعی بشود که جنس قابل تجارت در داخله و خارج شده باشد.

نایب رئیس - آقای صدر الاسلام (اجازه)

صدر الاسلام - البته کسانی که از موضوع زراعت تنباکو مطلع باشند می دانند که حصاد تنباکو توتون سیگار در موقعی که محصول آن خشک شود شاید ربع آن باقی نماند یعنی از حیث وزن کمتر می شود و اگر بنا شود بطور اجمال و ابهام این ماده تصویب شود در موقع عمل دچار اشکال خواهند شد که البته در اول وهله که تشکیل اداره دخانیات پیش آمد يك مشکلاتی بین مالیه و اداره وزارت عین ایجاد کرد.

سر زمین بگیرد و میخواهد مالیات را در تنباکو کبسه شده و بر کر شیراز حمل می شود و قابل تجارت می شود آن وقت مالیات را بگیرد.

ولی تجار می گفتند که باید شش ماه مالیات را در سر زمین بگیرند و این همه معارج به آن تعلق نگرفته باشد و در این ماده هم که از طرف دولت پیش نهاد شده است هیچ توضیحی نداده است و فرط در سر این موضوع مشکلاتی تولید خواهد شد بنابر این بنده این طور پیش نهاد کردم که این مالیات برجسی تعلق می گیرد که قابل تجارت در داخله یا در خارج شده

باشد والا اگر بخواهند سرخرمن مالیات بگیرند ممکن است از دهن من تنباکو چهار تومان بگیرند در صورتی که وقتی قابل تجارت می شود ۳ من آن بیشتر باقی نمانده است.

نایب رئیس - گمان می کنم نظریه آقای صدر الاسلام در ماده ۶ نایک انده از نامین شده باشد و اگر هم بخواهند پیش نهاد کنند باید در ماده ۶ پیش نهاد کنند.

وزیر قوائد عامه - در ماده اول نظریه آقا ذکر شده و گفته شده است تنباکو و توتون تهیه شده و نظریه باینکه مسائل قرعیه در نظام نامه ذکر خواهد شد.

لهذا همین نظریه آقا در نظام نامه تأمین خواهد شد و محتاج به پیش نهاد نیست.

اما بعضی آقایان از وزراء شوال می کنند که مقصود از من کدام است این البته محتاج توضیح نیست که من تیریز است ممکن است هم عادت اضافه کردن تیریز.

نایب رئیس - رای گرفته می شود.

صدر الاسلام - اجازه فرمایید.

نایب رئیس - بفرمایید.

صدر الاسلام - بعد از قرائت ماده ۶ اگر چنانچه محتاج باشند آن وقت رای بگیرید.

نایب رئیس - پیش نهاد آقای شروانی (بعضی من سابق قرائت شد)

شروانی - بنده خیلی مسرورم همان طور که مجلس شورای ملی نیم ساعت قبل يك تیفاه جنتی بخود گرفته بود حالا يك تیفاه تقریباً ملازمی پیدا کرده است.

آقای وزیر قوائد عامه فرمودند ما مالیات وضع نمی کنیم فقط این جا يك اصلاحی در آن قانون سابق می کنیم و دلیلش هم این بود که چون این قانون در عمل تولید اشکال نموده است حالا میخواهیم يك راه آسان تری بدست بیاریم البته قوانین همیشه يك تقاضای دارند و دولت باید همیشه در ضمن اجراء در نظر بگیرد و يك قانون بهتر و عملی تری که ممکن است جانشین آن قانون قرار بدهد پیش نهاد کنند و آن قوانین البته باید با چند چیز تطبیق شود یکی اصول علمی در درجه اول.

یکی مقتضیات وقتی و دیگر عمل بنده تصور می کنم که این قانون تا حدی درش دقت نشده و نویسنده ها گمان نمی کنم کاملاً این ۳ نکته را در نظر گرفته باشند و این هم که بنده موافق با فوریت نبودم و عرض کردم بکنندری مذاکره در اطراف این لایحه بشود و بکسیون برود از همین نقطه نظر بود که ممکن است ما در عمل دچار مشکلات شویم پیش نهاد دولت این است که دولت از تنباکوی تهیه شده منی ۴ قران و از توتون چیق منی ۱ تومان و از توتون سیگار منی ۱۵ قران.

چون دوقران يك کسی می دهد يك من تنباکو را صد دینار می دهد تنباکو میبرد يك

فایده مالیات می دهد يك كسى هم همان می دهد تنها کو میخورد او هم يك عباسی می دهد . آقای وزیر فوائد عامه فرمودند نگشند . بنده عرض می کنم آن یکی هم نگشند . بنده عرض نمی کنم قرآن را حکم کنید خیر الا آن یکی را هم ۴ تومان کنید چرا این نگشند ؟ آن یکی بکشند ؟ باید بطوری کرد که هیچکدام نگشند و بنده با اینکه خیلی میل دارم عایدات دولت زیاد شود با این طرز مالیات هم مغایف هستم و این ترتیب غلط است باین مناسبت بنده تصور می کنم که اگر دولت بجای این قانون که در دستش است دو سه سال هم هست مردم عادت کرده اند و برای اجرای آن هم يك وسایلی به دست وزارت عالی آمده است قاچاقچی ها را هم شناخته است این را بکلی منسوخ کند و يك مالیات جدیدی وضع کند و همان نظری که فرمودند جنس را تبدیل به نقد کنند جنس تبدیل به نقد کردن را فروخت و صدی سی آن را به دولت دهد این جنس تبدیل به نقد کردن اولی وقتی آن مالیات را بکلی منسوخ می کنند يك قسمتش صدی دو است می دهد يك قسم صدی صدیك قسم صدی بیست این تبدیل جنس به نقد نیست و يك مالیات جدیدی است و بهمان جهانی که عرض کردم دولت به مشکلات بر می خورد بنده شاید در این جا نظرم بیشتر متوجه دولت باشد و متقدم که این يك پیش بینی است که عرض می کنم و امیدوارم آقایان همه سلامت باشند و هفت هفت ماه دیگر يك وقت دولت دچار يك مشکلات و معظورانی می شود و بالاخره همان انقلابی که برای تریاک شده پیش می آید و ناچار می شوند باین جا و این مالیات را لغو نمایند و يك چیز تازه بیآورند آن وقت هم مابدهاش سی هزار تومان یا ۲۰ هزار تومان نشده چرا ؟ برای این که سال اول بوده و دولت هم وسیله برای اجرا نداشته است این است که بنده پیش نهاد کردم که هم رعایت همین قانون يك سرمایه مختصری تهیه کند و فروش تنها کو را در داخله بخود انحصار بدهد و صدی هفتاد و پنج بیعت آن اضافه کنند و بفروش و همان فروش را که می کند برایش سرمایه است شاید در اول کار پیش از صد یا دو صد هزار تومان سرمایه نهد و ممکن است هشتاد و ۱۰ میلیون پول هم در دستش باشد برای معامله از يك دست میخورد و از يك دست می فروشد منقعت هم می کند آن وقت هم

جلوگیری شده است از استعمال و همان طوری که آقای وزیر فوائد عامه فرمودند يك قانون منعی است و بنده مدت ها را هم ۳ سال قراردادام که وقتی دولت خوب توانست اجرا کند در راس ۳ سال ممکن است صدی ۲۰ اضافه کند و همان طور که آقای رهنا فرمودند بعد از چندی ما هم صدی دو بیست اضافه کنیم در اجرائش هم هیچ مشکلائی نیست سرمایه زیاد هم نیخواهد يك نفر اجرا هم نیخواهد با همین اداره که موجود است مسلمانی شود این کار را کرد و بنده برای تجدید تریاک هم يك همچو طرح قانونی تهیه کرده ام . **نایب رئیس** - رأی می گیریم به پیش نهاد آقای شیرازی . آقایانی که موافقت قیاس فرمایند . **(عده قلیلی قیام نمودند)** **نایب رئیس** - تصویب شد . پیش نهاد شاهزاده شیخ الرئیس . **(بعضیون ذیل قرائت شد)** پیش نهاد آقای محمد هاشم میرزا شیخ الرئیس . بنده پیش نهاد می کنم بتنا کو و توتون که قیمت آن بیشتر از منی ۳ تومان است ۲ برابر مالیات مندرجه در ماده ۲ گرفته شود . شاهزاده محمد هاشم میرزا شیخ الرئیس با دله که آقایان غالباً فرمودند قسمت عمدتاً عقیدشان این بود که چرا باید از تنبا کو و توتون يك قسم يك قرآن است چهار قرآن گرفته شود و تنبا کو های گرانقیمت مثل تنبا کوی شیرازی و غیره هم همینطور باشد . بنده خیال می کنم چون مقصود دولت فقط آسایش مردم است بنابراین هر چه این مالیات بیشتر بشود و هر چه کسب شده نشود بهتر است و ممکن است تنبا کوی يكمن چهار تومانی و پنج تومانی و شش تومانی زیاد تر بدهد از تنبا کوی بیست مثلا تنبا کوی يكمن سه تومانی دو قرآن اضافه بدهد همین طور بالاتر و گران تر . والا با این ترتیب که تنبا کوی چهار قرآن هم چهار قرآن و چهار تومانی هم چهار قرآن بدهد این برخلاف عدالت است از این جهت بنده این پیشنهاد را کردم که هم رعایت عدالت شده باشد و هم فوائد دولت زیاد تر بشود . **نایب رئیس** - رأی می گیریم به پیشنهاد شاهزاده شیخ الرئیس . آقایان موافقت قیام فرمایند **(عده قلیلی قیام نمودند)** **نایب رئیس** - تصویب نشد . پیشنهاد آقای مدرس **(مضمون ذیل خوانده شد)** مدرس - بنده خیلی متأسفم که لایحه

بدریت آمده مجلس (حالا که گذشته) ولی اگر فیروز این بود زودتر از اینها میگشند و بنده نسبت باین ماده نظریات آقایان را اینطور می فهمم که می بینند يك قدری از عدالت خارج است و من خیال می کنم نسبت باین پیشنهادی که عرض کردم تا اندازه رفع این نگرانی می شود . یعنی يك قدری اقرب بدالت می شود نه اینکه حقیقتاً عدالت میشود و البته دولت هم در این پیشنهادی که کرده است يك قدری باید انضاض کند و ملاحظه اینست که فرمودند اگر تنبا کوی مثلا قیمتش دو قرآن باشد قرآن با چهار یا پنج قرآن باشد چهار قرآن از عدالت خارج است از اینجهت بنده پیشنهاد کردم هر تنبا کوی که این مالیات را بخوانند ازش بگیرند و این چهار قرآن از نصف قیمتش تجاوز کند بر گرد تنصیب شود . یعنی دو قرآن گرفته شود معنایش این است که تنبا کوی که از هشت قرآن قیمتش بالاتر باشد چهار قرآن بدهد و تنبایی که قیمتش از هشت قرآن کمتر باشد دو قرآن خواهد داد و همچنین در توتون اگر يك تومان از نصفش علاوه است یعنی دو تومان و یکتر آن قیمتش است بگومان خواهد بود و اما آنکه قیمتش از بیست قرآن کمتر است که مالیاتش از نصف قیمت تجاوز میکند این يك تومان تنزل کند پنج قرآن یعنی از نوزده قرآن و هجده قرآن و هفتده قرآن پنج قرآن بدهد و بنده خیال می کنم اگر آقایان این پیشنهاد را تصویب بفرمایند يك قدری از این اشکالات رفع می شود و اقرب بدالت می شود . ولی بگویم ملاحظه می فرمایند تمامش باید ملاحظات دولت نشود و ملاحظه هم از رعیت و تاجر بشود و اگر آقایان این را ضمیمه کنند بهتر است در مواد دیگر هم بنده هر ابضی دارم ولی عهده اش این ماده است . **نایب رئیس** - مجدداً قرائت بفرمایند **(شرح سابق قرائت شد)** **نایب رئیس** - رأی می گیریم باین تبصره که آقای مدرس پیشنهاد کرده اند . آقایان موافقت قیام فرمایند **(عده قلیلی قیام نمودند)** **نایب رئیس** - تصویب نشد . پیشنهاد آقای اجاق **(بترتیب ذیل قرائت شد)** بنده پیشنهاد میکنم در ماده دو این چون شکل اول بالاخره بجائی منتهی میشد که اجناس ارزان قیمت زارعین از بین میرفت آن وقت زارعین مجبور بودند که فقط

در آن نقاطی که آب و هوای آن نقاط مستلزم عمل آمدن توتون و تنبا کوی اعلی است . زراعت نمایند و جاهایی که آب و هوا و مقتضیات معلی توتون و تنبا کوی صحیح عمل نمی آورد محروم شوند از زراعت و البته وقتی که جنس ارزان قیمتی بکمالیات زیادی بهش تعلق گرفت ناچار است که زراعت نشود و از بین برود و این يك مسئله است که مستقیماً بيك قسمتی از زارعین ایران لطمه وارد خواهد آورد زیرا که توتون و تنبا کوی خوب در دو نقطه و سه نقطه بمل می آید که عبارت باشد از اصفهان و شیراز و يك قسمت مختصری از کردستان باقی نقاط ایران البته توتون و تنبا کوی خوب نمی تواند عمل بیاورد . حالا این پیشنهادی که قبول شود البته يك تعدیلی خواهد شد نسبت به آن مالیات سنگین ابتدائی که در لایحه ذکر شده و این تعدیل تادرسه اصلاح خواهد کرد استها می کنم دوم تر قرائت شود **(بترتیب سابق قرائت شد)** **نایب رئیس** - رأی می گیریم به پیش نهاد آقای ملک الشعراء **(شرح ذیل خوانده شد)** بنده پیشنهاد می کنم - هر گاه مالیات تنبا کو و توتون از نصف قیمت عادلانه جنس مزبور تجاوز کند مطابق نصف همان قیمت عادلانه مالیات بر آن تعلق خواهد گرفت . **ملک الشعراء** - همان نظری که آقای مدرس فرمودند با اعتراضاتی بر طرز اخذ مالیات هست آقایان هم در توضیحاتی خودشان فرمودند و حقیقتاً علمای و اخلاقاً میتوان اذعان کرد که يك مالیات مساوی بر اجناس مختلف القیمه وضع شود این اساساً نه علمی است و نه اخلاقی زیرا بر اجناس مختلف القیمه مالیات نمی شود بیست و غلط است و بوسیله این پیشنهاد هم البته این اساس غیر عادلانه را نمی شود رفع کرد . ولی بگویم ملاحظه می فرمایند که لایحه يك کله باید این قبیل پیشنهادها را لغو کرد و آقایان هم باید موافقت کنند که تا اندازه رفع این خلاف عدالت بشود منتهی فرقی که این پیش نهاد با پیشنهاد آقای مدرس دارد این است که پیشنهاد آقای مدرس اینطور بود که اگر مالیات از نصف قیمتش تجاوز کند نصف مالیات بر آن تعدیل شود این چاهم با زارعین حال يك خلاف عدالتی درش منظور بود و این طور که بنده پیشنهاد کردم اگر مالیات زیاد تر شد از نصف قیمت عادلانه جنس مطابق نصف قیمت عادلانه جنس مالیات بدهند و بوسیله این پیشنهاد يك تعدیلی خواهد شد در مالیات اجناس ارزان قیمت و در حقیقت باعث میشود که اجناس ارزان قیمت زراعش از بین نرود . چون شکل اول بالاخره بجائی منتهی میشد که اجناس ارزان قیمت زارعین از بین میرفت آن وقت زارعین مجبور بودند که فقط

بخواهیم مذاکرات راجحتم کنیم تازه مثل این است که تمام کارهایی که تا حالا کرده ایم توضیح وقت بوده و باید از نو شروع بکنیم و بنده عرض میکنم که این ماده وقتی تمام شد ممکن است جلسه را ختم کنیم و حالا در وسط کار نمی شود جلسه را ختم کرد . **نایب رئیس** - خطاب به آقای سید یعقوب مسترد داشتید . **آقای سید یعقوب** - بلی بعد از تصویب ماده دو پیشنهاد میکنم . **نایب رئیس** - پیشنهاد آقای تنقی زاده **(شرح ذیل خوانده شد)** پیشنهاد میکنم ماده دو اینطور نوشته شود وزارت مالیه اقسام مختلفه تنبا کو و توتون را سه طبقه تقسیم نموده از قرار ذیل از آن ها اخذ مالیات خواهد نمود . تنبا کوی طبقه سوم - هر من دو قرآن تنبا کوی طبقه دوم - هر من سه قرآن تنبا کوی طبقه اول - هر من چهار قرآن . توتون چیق طبقه سوم - يك من پنج قرآن توتون چیق طبقه دوم - يك من هشت قرآن توتون چیق طبقه اول - يك من يك تومان . توتون سیگار طبقه سوم - يك من هشت قرآن توتون سیگار طبقه دوم - يك من دوازده قرآن توتون سیگار طبقه اول - يك من پانزده قرآن . تنقی زاده - در غالب مذاکراتی که در مجلس می شود متوجراً تمام آقایانی که ایراد می کنند این است که این مالیات غیر عادلانه است و در این شکلی نیست حتی موافقت هم قبول دارند آن توتونیکه و همچنین آن توتونیکه دو تومان قیمت دارد چهار قرآن بگیرند معلوم است عادلانه نیست و از طرفی هم چنانچه اظهار شد دولت چهار معظورات است و مشکلاتی شده است که این ترتیب غیر عادلانه را از چیق میدهد که تقویم در کار نباشد معلوم است بهترین تمام ترتیبات گرفتن مالیات تنبا کو از جنس است و بدتر از همه تقویم است و از همه بدتر اینکه از هر معظ بدون تفاوت چهار قرآن بگیرند . لذا بنده اینطور پیشنهاد کردم چون تنبا کو یا توتون در همه جا اسم دارد مثل تنبا کوی حکان یا تنبا کوی طیس و غیره این طور هم فهمیده نشود که امثال مالیه با زرد هر مجلس خواهند گفت که این توتون یا تنبا کو از طبقه اول است یا دوم یا سوم . بلکه دولت میتواند در مرکز تمام احوال تنبا کو را که شش هفت قسم است معین کند که فلان اسم و فلان اسم جزو طبقه اول است و فلان اسم و فلان اسم جزو

طبقه وسط و فلان و فلان جزو طبقه پست است آن وقت برای هر طبقه يك مالیات مخصوصی وضع میکنند محتاج بمقوم هم نیست و همینطور در توتون لهذا بنده پیشنهاد کردم که برای تنبا کوی پست دو قرآن و آنچه که وسط میگوئیم سه قرآن و آنچه تنبا کوی اعلی است چهار قرآن مالیات معین شود منتهی بعد از نوشتن این پیشنهاد بخواهرم آمد که بعضی آقایان عقیده دارند که تنبا کوی اعلی مالیاتش بیش از آنچه باشد که دولت پیشنهاد کرده است در آن باب بنده مخالفتی ندارم یعنی ممکن است تنبا کوی طبقه اول را از چهار قرآن بیشتر قرارداد و بنده این را شفاهاً اصلاح میکنم ممکن است يكوئیم تنبا کو دو قرآن و سه قرآن و پنج قرآن باشد توتون پنج قرآن و هشت قرآن و دوازده قرآن باشد برای اینکه جمع بین هر دو نظر شود و عایدات دولت هم مثل اول باشد وزیر مالیه - آقا خواهش مندم يك مرتبه دیگر قرائت بفرمایند **(شرح سابق قرائت شد)** **نایب رئیس** - آقای تنقی زاده اصلاحی در پیشنهاد کرده اند مجدداً قرائت شود و بعد ازای میگیریم وزارت مالیه اقسام مختلفه تنبا کو و توتون را در تحت سه طبقه ترتیب داده و طبقه سوم تنبا کو دو قرآن سه قرآن و طبقه اول پنج قرآن . توتون چیق طبقه سوم - يك من پنج قرآن طبقه دوم - يك من هشت قرآن طبقه اول - يك من دوازده قرآن . توتون سیگار طبقه سوم - يك من هشت قرآن توتون سیگار طبقه دوم - يك من دوازده قرآن توتون سیگار طبقه اول - يك من پانزده قرآن . **نایب رئیس** - تمام آقایانی که موافقت می کنند این است که این مالیات غیر عادلانه است و در این شکلی نیست حتی موافقت هم قبول دارند آن توتونیکه و همچنین آن توتونیکه دو تومان قیمت دارد چهار قرآن بگیرند معلوم است عادلانه نیست و از طرفی هم چنانچه اظهار شد دولت چهار معظورات است و مشکلاتی شده است که این ترتیب غیر عادلانه را از چیق میدهد که تقویم در کار نباشد معلوم است بهترین تمام ترتیبات گرفتن مالیات تنبا کو از جنس است و بدتر از همه تقویم است و از همه بدتر اینکه از هر معظ بدون تفاوت چهار قرآن بگیرند . لذا بنده اینطور پیشنهاد کردم چون تنبا کو یا توتون در همه جا اسم دارد مثل تنبا کوی حکان یا تنبا کوی طیس و غیره این طور هم فهمیده نشود که امثال مالیه با زرد هر مجلس خواهند گفت که این توتون یا تنبا کو از طبقه اول است یا دوم یا سوم . بلکه دولت میتواند در مرکز تمام احوال تنبا کو را که شش هفت قسم است معین کند که فلان اسم و فلان اسم جزو طبقه اول است و فلان اسم و فلان اسم جزو

شده است یا آن قانون مطابق نیست لهذا بنده پیشنهاد کردم يك سنك كه سه كيلو گرم است یعنی سه تا بش مساوی با يك من میشود برای هر سنگی از توتون سیگار پنج قرآن از توتون چیق سه قرآن و از تنبا کو يك قرآن اخذ شود و با آن تقسیم بندی که معین شده بعقیده بنده باز مجبور میشوند که بروند و مقوم تعیین کنند دیگر بسته است برای آقایان **نایب رئیس** - رأی گرفته میشود به پیشنهاد آقای مقوم الملك . آقایانیکه موافقت قیام فرمایند **(عده قلیلی قیام نمودند)** **نایب رئیس** - تصویب شد چون عبارت این پیشنهاد يك نواقص دارد بایستی نواقصش را رفع بفرمایند تا رأی گرفته شود . وزیر فوائد عامه - چه نواقصی دارد **نایب رئیس** - ترتیب و وزنش درست مرتب نیست . **(ماده مزبور اصلاح شده بترتیب ذیل قرائت گردید)** وزارت مالیه اقسام مختلفه تنبا کو و توتون را سه طبقه تقسیم نموده از قرار ذیل از آنها مالیات دریافت خواهد نمود . تنبا کوی طبقه سوم - هر من دو قرآن تنبا کوی طبقه دوم - هر من سه قرآن تنبا کوی طبقه اول - هر من چهار قرآن . توتون چیق طبقه سوم - يك من پنج قرآن توتون چیق طبقه دوم - يك من هشت قرآن توتون چیق طبقه اول - يك من يك تومان . توتون سیگار طبقه سوم - يك من هشت قرآن توتون سیگار طبقه دوم - يك من دوازده قرآن توتون سیگار طبقه اول - يك من پانزده قرآن . **نایب رئیس** - ماده دومی که دولت قبول کرده اند این ماده نمی شود . **آقای** **نایب رئیس** - ماده دومی که دولت قبول کرده اند این ماده نمی شود . **آقای** **نایب رئیس** - این پیشنهاد را از طرف دولت قبول میکنم **نایب رئیس** - خوب است این پیشنهاد خواهد شد . پیشنهاد آقای مقوم الملك **(اینطور خوانده شد)** اینجناب پیشنهاد میکنند که چون اوزان جدید معمول خواهد شد برین طریق ماده دوم تنظیم شود تنبا کو يك سنك که عبارت از هزار گرم است يك قرآن توتون چیق هر سنك سه قرآن توتون سیگار هر سنك پنج قرآن سنك عبارت از هزار گرم است مقوم الملك . برای سال آتی سنگهای جدید معین می شود منتهی هم که اینجناب اظهار کردند معلوم نیست يك من شاد است یا تریز و از این جهت وزنی که در اینجا معین

اشخاص
و به تدریج بنده این ترتیب عملی نیست زیرا یکی از دلایلی که دولت در این جا اقامه کرد راجع به عملی نبودن آقاخان سابق است
و علاوه بر این پیش نهاد و نظر مخالفین را هم تأمین نمیکنند و بالاخره بنده موافق هستم باینکه همان ماده دوم مطرح شود چون اگر این ماده که تا بنیاد دولت پیشنهاد کرده است رد شود ساده دوم بکلی از بین رفته است
زیرا وقتی این پیش نهاد را دولت قبول کرد آماده دوم لایحه بکلی از بین رفته است و آنوقت دولت باید مجدداً ماده ثانی دیگری پیش نهاد کند
نایب رئیس - پیش نهاد آقای تقی زاده را دولت قبول کرد ولی ماده پیش نهادی دولت را آقای تهرانی پیشنهاد کرده اند اگر در ماده در آن ماده رأی می گیریم وزیر فوائد عامه - اینکه دولت پیشنهاد آقای تقی زاده را قبول کرد از نقطه نظر مساعدت بود که بگنجدری انصراف از عقیده اولیه نمود
این نکته را هم باید عرض کنم که اگر فرضاً پیشنهاد آقای تقی زاده رد شد دولت همیشه حق دارد همان بنظریه اولیه خودش ادامه دهد و این حق از دولت سلب نشده است و همیشه حق خواهد داشت که یک نظر به اتخاذ کند و پیشنهاد نماید
بنابر این بنده خودم تردید دارم و نمیتوانم آقا بهر این است که باین پیشنهاد آقای تهرانی بعد از آن پیشنهاد رأی گرفته شود یا قلاً و تصور میکنم اگر بعد باشد بهتر است
و علاوه بر این راه هم تذکر میدهم که اگر پیش نهاد رد شود دولت مجدداً آن پیش نهاد اولی خودش را پیشنهاد میکنند
نایب رئیس - رأی میگیریم پیشنهاد آقای تهرانی که ماده دوم لایحه دولت است و قلاً و تصور میکنم موافقت قیام فرمایند
(عده کمی قیام نمودند)
نایب رئیس - تصویب نشد
حالا رأی میگیریم پیشنهاد جدید دولت که ماده دوم میشود و دولت قبول کرده است
آقایان موافقین قیام فرمایند
(عده کثیری برخاستند)
نایب رئیس - تصویب شد
دو نفر پیشنهاد راجع به ختم جلسه رسیده است
نصرت الدوله - بنده با ختم جلسه مخالفم
نایب رئیس - قرائت میشود
پیشنهاد آقای تهرانی
(به شرح ذیل خوانده)
بنده پیشنهاد میکنم که پس از گذشتن

ماده دوم جلسه ختم شود
آقایان محمد علی طهرانی - پس میگیریم
نایب رئیس (خطاباً آقا سید یعقوب) شاهام پیش نهادتانرا مسترد میدارید؟
آقا سید یعقوب - خیر ابتدا
نایب رئیس - آقای آقا سید یعقوب پیشنهاد کرده اند که پس از گذشتن ماده دوم جلسه ختم شود
بفرمایند آقای آقا سید یعقوب - این لایحه مواد دیگری هم دارد و هفت ماده دارد و بنده میدانم که آقایان یکی یکی خواهند رفت و بنده خواهم ماند و بالاخره تمام نخواهد شد و یک پیشنهادهای نامی هم خواهد رسید لهذا جلسه را حالا ختم کنیم فردا پیش از ظهر یا بعد از ظهر عملی حال فردا تمامش کنند
نایب رئیس - رأی میگیریم
نصرت الدوله - بنده مخالفم
نایب رئیس - بفرمایند
نصرت الدوله - بنده این مخالفتی که با ختم جلسه میکنم از نقطه نظر زحمت برای آقایان نیست
توضیح بنده را گوش بدهید و بعد اگر مخالف بود رأی ندهید
بنده عرض میکنم این لایحه تمام اشکالات سر این ماده دوم بود که ساعت چهار ساعت صرف وقت شد و گذشت و بقیه مواد چندان اشکالی ندارد و شب عید است مردم میخواهند تم بروند مجلس باید تعطیل شود و ما میتوانیم این چند ماده که باقی هست در بیست دقیقه رأی بدهیم و تمام شود و هیچ مابه الاختلاف نیست و بالاخره اگر این کار را امشب نکنیم ممکن است فردا دیگر مجلس نشود اصلات تعطیل شود
مگر برای شب بعد آقایان خیال ندارند تعطیل میکنند
و اگر این چند ماده را تمام کنند دیگر کاری نداریم و از فردا مجلس را تعطیل می کنیم
تا پنج شش روز بعد از عید و سال آینده با دعا فریاد و تفریح کرده تشریف بیاورند به مجلس
دیگر بیهوده است بنظر آقایان
نایب رئیس - رأی میگیریم پیشنهاد آقای آقا سید یعقوب - آقایانیکه موافقت قیام فرمایند
(عده قلیلی قیام نمودند)
نایب رئیس - تصویب نشد
ماده سوم مطرح است
(ماده سوم بشرح ذیل قرائت شد - و ضمناً بعضی از آقایان از مجلس خارج می شدند)
ماده سوم - توتون و تنباکوی ساخته یا ساخته که باید بهارچه حمل شود از

دخانیات معاف است
نایب رئیس - چون عده برای رأی کافی نیست جلسه ختم می شود
جلسه آتی فردا سه ساعت قبل از ظهر (مجلس سه ساعت و نیم از شب گذشته ختم شد)
نایب رئیس مجلس شورای ملی - سهام السلطان
منشی - علی اقبال الممالک
منشی - معظم السلطان
جلسه ۱۴۵
صورت مشروح مجلس صبح چهارشنبه بیست و هشتم حوت ۱۳۰۳ مطابق بیست و دوم شعبان المعظم ۱۳۴۳
(مجلس دو ساعت و یک ربع قبل از ظهر ریاست آقای مؤمن الملک تشکیل گردید)
(صورت مجلس صبح سه شنبه بیست و هفتم حوت را آقای آقا میرزا جوادخان قرائت نمودند)
رئیس - آقای آقا شیخ جلال راجع بصورت مجلس فرمایشی دارند؟
آقا شیخ جلال - خیر - قبل از دستور
رئیس - آقای آقا سید یعقوب (اجازه)
آقا سید یعقوب - اینجا در آخر صورت مجلس نوشته شده است که در مجلس اعلان شد دو ساعت فریب ماند باید جلسه تشکیل شود در صورتی که در خارج اعلان شد بعضی از نمایندگان - در مجلس اعلان شد
رئیس - صورت مجلس مخالفی دارد؟
(گفتند خیر)
رئیس - آقای آقا شیخ جلال (اجازه)
آقا شیخ جلال - بنده دیر زود موقعی که لایحه مالیات دخانیات از طرف دولت تقیم مجلس شد و قرائت شد نبودم بعد که متذکر شدم ماده بیست و نهم وسیع نظامنامه را تذکر دادم که در این دو ماده تصریح میکنند تمام لواجیحی که از طرف دولت به مجلس پیشنهاد می شود وقتی مطرح خواهد شد که قلاً طبع و توزیع شده باشد و خاطر دارم که در سنه حاضر در همین موقع یا بعد از این موقع یک لایحه آمد به مجلس و بواسطه اینکه طبع و توزیع نشده بود تاخیر افتاد حالا اگر بنده اشتباه کرده ام آقای رئیس بفرمایند تا رفع اشتباه بنده شود و همانطور که عرض کردم مطرح شدن این لایحه قبل از طبع و توزیع شدن بر خلاف مواد ۲۹ و ۳۰ نظامنامه است
رئیس - این مطلب راجع به وارد فوری نیست
لایحه دخانیات از ماده سوم مطرح

است
(ماده سوم بشرح ذیل قرائت شد)
ماده سوم - توتون و تنباکوی ساخته یا ساخته که باید بهارچه حمل شود از مالیات دخانیات معاف است
رئیس - آقای آقا سید یعقوب (اجازه)
آقا سید یعقوب - مخالفت بنده در این ماده برای خاطر ابهامی است که در این ماده هست
در ماده اول هم دیشب صحبت شد ولی در اینجا کشف مسئله شد که مناط در توتون و تنباکوی ساخته شده و ساخته نشده چیست و مالیاتی که دولت می خواهد بگیرد چه وقت است
در وقت افشاندن تخم یادرو کردن یا خرمن سکردن است
موتی که بدکان تاجر میاورند در این ماده سوم نوشته شده است تنباکو و توتون ساخته شده و نشده این لفظ چون مطلق است غیر معین است
بنده دیشب هم چندین مرتبه پیشنهاد کردم جلسه ختم شود که در اطراف این مسئله صحبت شود و با بصیرت رأی بدهم و معلوم شود که موقع گرفتن این مالیات چه وقت است که هم تکلیف مأمورین مایه معلوم شود هم ماها که قانون گذار هستیم و میخواهیم رأی بدهیم بفهمیم که در چه موقع این مالیات را می گیرند در موقع درو کردن یا موقع فروختن معلوم شود در چه موقع بهش مالیات تعلق میگیرد
رئیس - این راجع به معانی است راجع باخذ مالیات نیست
آقای ضیاء الواعظین (اجازه)
ضیاء الواعظین - این قسمت فرمایش آقای آقا سید یعقوب تقریباً راجع به ماده ۳ می شود ماده ۳ در بیست و نهمین موادی است که عایدات مملکت را زیاد می کند برای زراعت و وضعیت ایران از حیث استمداد آب و خاک و زمین معلوم است و زارعین هر قدر می توانند زراعت کنند و توتون و تنباکو بهارچه حمل کنند و در عرض یول بیاورند البته بفتح مملکت است و بعقیده بنده این ماده یکی از مواد خوب این قانون است بعضی از نمایندگان - مذاکرات کافی است
رئیس - رأی میگیریم
زعیم - بنده یک اصلاح عبارتی دارم
رئیس بدهید بیاورند
تعمین - تقاضای کنم یک مرتبه دیگر ماده قرائت شود
(بشرح سابق قرائت شد)
تعمین - بنده پیشنهادی دارم
رئیس - آقای رئیس التجار پیشنهادی کرده اند قرائت میشود

صفحه ۱۰۲۷
(بشرح آتی قرائت شد)
بنده پیشنهاد میکنم ماده سیم این قسم نوشته شود
کلیه تنباکو و توتون که برای حمل بهارچه تهیه میشود و از سرحد خارج میشود از مالیات مندرجه در ماده ۳ معاف است
رئیس - آقای رئیس التجار (اجازه)
رئیس التجار - در اینجا لفظ باید را بنده زائد می دانم و بعقیده بنده اینطور که بنده پیشنهاد کردم واضح تر است
رئیس (خطاباً آقای زعیم) باین پیشنهاد آقای رئیس التجار موافقت می کنید؟
زعیم - استدعا میکنم یک مرتبه دیگر قرائت شود
(پیشنهاد آقای رئیس التجار بشرح سابق قرائت شد)
زعیم - پلی موافقت
رئیس (خطاباً آقا میرزا بدالله خان) - ما با پیشنهاد آقای رئیس التجار موافقت می کنیم یا پیشنهاد نماینده علیحده قرائت شود
آقا میرزا بدالله خان - موافقت
رئیس - آقای شیروانی (اجازه)
شیروانی - بنده با اساس این پیشنهاد موافقت و البته آقای رئیس التجار شاید اطلاعشان از بنده بیشتر باشد ولی میخواهم ببینم چگونه باید تشخیص بدهند؟
چون این مالیاتی است که در داخله گرفته میشود
اگر میگویند در گمرک این مالیات را پس میدهند باید این مسئله اینجا اضافه شود علاوه یک مالیات هائی که در داخله گرفته میشود در سرحد معلوم نیست که آن مالیات را در داخله داده اند یا خیر؟
بنده نمیدانم چگونه میتوانم مسئله را تشخیص بدهند
رئیس - یک پیشنهادی از آقای عباد السلطنه رسیده قرائت میشود
بعد پیشنهاد آقای رئیس التجار رأی میگیریم
بنده پیشنهاد میکنم ماده سوم اینطور نوشته شود
دولت مکلف است توتون و تنباکوی ساخته یا ساخته که بهارچه حمل میشود از مالیات معاف دارد
رئیس - رأی میگیریم پیشنهاد آقای رئیس التجار
آقایانی که پیشنهاد ایشان را تصویب میکنند قیام فرمایند
(جمعی قیام نمودند)
رئیس - تصویب نشد
آقای عباد السلطنه (اجازه)
عباد السلطنه - بنده باین پیشنهاد آقای رئیس التجار هم موافق بودم ولی چیزی که

هست در پیشنهاد بنده یک کلمه اضافه دارد و آن ساخته و نساخته است چون تنباکوها دو قسم است
یک قسم ساخته این است که بنده پیشنهاد کردم تنباکوهای ساخته یا ساخته که بهارچه حمل می شود از مالیات معاف باشد
اما اینکه آقای شیروانی اظهار کردند که چطور تشخیص داده می شود این خیلی سهل است
برای اینکه تنباکوهای باب خارجه در این مملکت معلوم است و آنهایی هم که داخله مصرف می شود معلوم است علاوه آنهایی را که بهارچه حمل میشود سیم و سرب می بکنند
رئیس - آقای کازرونی (اجازه)
کازرونی - بنده با اساس این پیشنهاد موافقت میکنم در طرز اجرا آن بطوری که آقای عباد السلطنه توضیح دادند آنرا عملی نمی دانم
زیرا تنباکو معین نیست که یک نوعش اختصاصاً برای مصرف داخله باشد و یک نوعش مخصوص خارجه
تنباکوهائی که از ایران حمل میشود یک تاجر وقتی بکندار تنباکو خرید آنچه را که میتواند در داخله می فروشد و آنچه را که نمیتواند بهارچه حمل میکند
آقای عباد السلطنه همچو نشان دادند که بعضی تنباکوها مخصوص داخله بعضی ها برای مصرف خارجه است و بنده پالین که خودم تصدی خرید و فروش و کشت و زرع تنباکو - بدون متأسفانه اطلاع ندارم
ولی آقا اطلاع دارند به جهت بعقیده بنده باین ترتیب هم اشکال برای مردم تولید میشود و هم برای دولت
رئیس - رأی گرفته میشود پیشنهاد آقای عباد السلطنه
آقایانی که تصویب می کنند قیام فرمایند
(اغلب قیام نمودند)
رئیس - تصویب شد
سایر پیشنهادها دیگر مورد ندارد
چهارم قرائت میشود
(اینطور قرائت شد)
ماده چهارم - دولت مجاز است نسبت بدخانیاتی که از خارج به داخله مملکت وارد میشوند با مالیاتی معادل تفاوت مابین حقوق گمرکی دخانیات مزبوره و مالیات داخلی اخذ نماید
و با حقوق گمرکی دخانیات وارده را تا حد مالیات داخلی بیفزاید
رئیس - آقای داور (اجازه)
داور - بنده موافقت
رئیس - آقای آقا سید به موب (اجازه)

روزنامه رسمی کشور شاهنشاهی
آقا سید یعقوب - نقطه نظر مخالفت بنده از جهت فهم مسئله است زیرا اینجا تردید میکند مینویسد
دولت مکلف است این کار را نسبت بآن چیزی که وارد میشود بکنند و اینجا طرف رأی مارامین نکرده است
بنده که آن می خواهم رأی بدهم نمیتوانم نسبت بکدام یک از این دوشق اظهار عقیده بکنم که در داخله این مالیات را بگیرند یا نگیرند
بنده در دوره چهارم در این دوره یک جایی که اینطور باشد که رأی داده شده باشد ندیده ام
باید مرجع معلوم شود و معین شود که کدام یک از این دوشق خوب است که بآن رأی داده شود و تصور میکنم این مسئله محتاج بقضیه است که مرجع معلوم شود
تاریخ شهبه شود
رئیس - آقای داور (اجازه)
داور - تصور میکنم آقای آقا سید یعقوب مخالفتی با اصل ماده ندارند و این مادرا از این نقطه نظر اینطور نوشته اند که تجار خارجه نتوانند رقابت بکنند و این یک ماده است که دست دولت را باز میگذارد که هر طریق عملی تر باشد و آنرا سهل تر بدانند از آن راه داخل شود
در هر صورت اشکالی ندارد و مقصود این است که جلوی رقابت خارجه را گرفته باشند
و اگر بنا باشد بعضی از این دوشق را ما اختیار کنیم آنطور که باید دست دولت باز باشد نخواهد بود و البته اگر آقایان ماده را به همین ترتیب قبول کنند بهتر است
رئیس - شاهزاده غلام حسین میرزا (اجازه)
غلام حسین میرزا - موافقت
جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است
رئیس - پیشنهادها قرائت میشود
(بشرح ذیل خوانده شد)
پیشنهاد آقایان آقاخان و کی استوان
پیشنهاد می کنم بجای (مجاز) مکلف است نوشته شود
پیشنهاد آقای رئیس التجار
بنده پیشنهاد میکنم ماده چهارم نوشته شود
دولت مکلف است مالی آخر پیشنهاد آقای شیروانی
بنده پیشنهاد می کنم که کلمه (مجاز) است تبدیل (بمکلف است) شود
پیشنهاد آقای ضیاء الواعظین
پیشنهاد می شود که ماده چهارم به ترتیب ذیل اصلاح شود
ماده چهارم - دولت مکلف الی آخر پیشنهاد آقای سردار عشار

دوره پنجم
در ماده چهارم بنده پیشنهاد میکنم عوض اینکه نوشته شده است دولت مجاز است دولت مکلف است
پیشنهاد آقای مساوات
بنده ماده چهارم را به ترتیب ذیل اصلاح میکنم
دولت مکلف است نسبت بدخانیات تا آخر
پیشنهاد آقای سید محمد علی شوشتری بنده پیشنهاد میکنم که کلمه مجاز بکلف است تغییر پیدا نماید
وزیر مالیه - گویا همه پیشنهادها همان باشد که کلمه مجاز است تبدیل شود بکلف است برای اینکه وقت تلف نشود قبول می کنم
رئیس - یک پیشنهاد دیگری هم از آقای تهرانی رسیده است آنهم قرائت می شود
(بشرح ذیل خوانده شد)
پیشنهاد آقای طهرانی
پیشنهاد می کنم که بجای مجاز است مجیز است
رئیس - مکلف است را دولت قبول کرد
پیشنهاد آقای زعیم قرائت میشود
(بشرح آتی قرائت شد)
پیشنهاد آقای زعیم
بنده پیشنهاد می کنم که شق اول مرقوم در ماده چهارم متروک و شق اخیر اختیار شود
رئیس - توضیح بدهید
زعیم - در این ماده چهارم دولت را معین کرده اند که بدو قسم جلو گیری از نقص قیمت تنباکو و توتون داخلی مملکت بنمایند
یکی اینکه مالیاتی معادل تفاوتی که بین مالیات داخله و گمرک پیدا می شود به حقوق گمرکی اضافه نمایند
یکی اینکه بر توتون هائی که وارد مملکت می شود مالیاتی بیفزایند که با توتون های داخله مسابقت میکنند
در این قسمت تازی که در داخله حقوقی از آنها گرفته شود با اطلاعاتی که بنده در امر دخانیات در امر گمرک دارم می دانم که فوق العاده برای دولت اسباب زحمت و مستلزم مخارج زیادی خواهد شد و بالاخره جلو قاچاق را هم نمی توانند بگیرند و در نتیجه هم اسباب زحمت هم خواهد شد
بهترین راهی که بعقیده بنده مسابقت تجاری را محفوظ نگاه میدارد گرفتن این مالیات است در گمرک کما اینکه در کثیراً هم که یک امتیه داخلی بود که مخارج حمل می شد آقایان ملاحظه فرمودند و بالاخره برای آسایش مردم مجبور شدند که بگمرک معول کنند
خود دولت هم این مسئله را پیش بینی

مکرمه و نوشته شده است دخانیاتی که از خارج بداخله مملکت وارد میشوند یا مالیاتی معادل تفاوت مابین حقوق گمرکی دخانیات مزبوره و مالیات داخلی اخذ نمایند و با حقوق گمرکی دخانیات وارده راتحاد مالیات داخلی بیفزایند.

این مسئله را خود دولت پیش بینی کرده است ولی بطور تردید و در تحت دو شق و اگر بنا باشد در داخله مالیاتی بخواهد اخذ کند اسباب زحمت خود دولت و تجار و کسبه و همة خواهد شد.

این است که بنده پیشنهاد کردم این دو شق را مبدل کند به شق اولی که در گمرکات گرفته شود این اساس پیشنهاد بنده است و در صورتی که این پیشنهاد قبول شود مسئله مکلف است کاملاً تأمین شده است.

رئیس - آقای عماد السلطنه (اجازه)

اشکالات آقای زعیب در این ماده وارد نباشد برای اینکه مخصوصاً نسبت باین قانون ما بایستی تا حدی دست دولت را باز بگذاریم و این قسمی که دولت پیشنهاد کرده است نه این است که اشکالاتی را که آقای زعیب متذکر شدند خود دولت نمی دانست.

ولی نظر بیک اشکالات مفصلی که شرح آن اشکالات از جواب آقای زعیب خارج است و نمی خواهم بطور تفصیل عرض کنم اشکارا کرده اند و همین قدر عرض می کنم که باین ترتیب که هر دو شق باشد بهتر است و دولت هر وقت مقتضی دید شق اول و هر وقت مقتضی دید شق دوم را عمل کند.

رئیس - این پیشنهاد آقای زعیب چون راجع بتجزیه است بعد باید درش رأی گرفته شود.

بالفعل پیشنهاد آقای مقوم - الملک قرائت میشود (شرح ذیل خوانده شد)

اینجناب پیشنهاد می کند که ماده چهارم باین قسم نوشته شود دولت مکلف است از توتون و تنباکوی ساخته و نساخته که وارد مملکت می شود علاوه بر گمرک مالیاتی معادل ماده دهم از آن دخانیات دریافت نماید

وزیر قوایند عامه - بگرم تبریک بفرمائید (شرح سابق قرائت شد)

رئیس - آقای مقوم الملک (اجازه) مقوم الملک - دولت از مال التجاره هائی که وارد مملکت می شود بیک گمرک مالیاتی که وارد مملکت می شود باید مالیات داخلی را هم بدهد و این ترتیب برای رواج متاع

داخلی ما خوب است. اما راجع بجزئیاتی که آقای زعیب فرمودند اگر در داخله مالیات بگیرند تولید اشکال می کنند نسبت به تنباکو و توتون هم بهمان اشکال بر میخورند هیچ فرق نمی کند.

رئیس - آقای دکتر آقایان (اجازه) دکتر آقایان - توتون هائی که از ممالک خارجه وارد مملکت ما می شود اغلب از دول کامله الوداد وارد می شود و اگر بنا باشد ما بیک مالیات های سنگین بر آنها تحمیل کنیم تولید اشکال می کند و در ممالک خارجه هم بر اجناس ما بیک مالیات های گزافی وضع خواهند کرد باید در نظر داشت که مطابق احصائیه گمرکی توتون ساخته یا نساخته که وارد مملکت ایران می شود چندان اهمیتی ندارد و اگر بنا باشد بیک مالیات های سنگینی بر توتون های خارجه وضع کنیم بیک اشکالات سیاسی تولید خواهد کرد.

رئیس - رأی می گیریم به پیشنهاد آقای مقوم الملک - آقایان که تصویب می کنند قیام فرمایند (معمودی قیام نمودند)

رئیس - تصویب نشد. رأی می گیریم به پیشنهاد آقای زعیب. . . .

رئیس - اجازه می فرمایند چون فرمودید پیشنهاد بنده پیشنهاد تجزیه است پیشنهاد دیگری که اصلاح باشد تقدیم کردم.

رئیس - قرائت می شود (شرح ذیل قرائت شد) بنده پیشنهاد می کنم که ماده چهارم بشرط ذیل اصلاح شود

ماده چهارم - دولت مکلف است نسبت بدخانیاتی که از خارج بداخله مملکت وارد می شود بمیزان تفاوت حاصله بر حقوق گمرکی دخانیات بیفزاید

رئیس - رأی می گیریم - آقایان که این پیشنهاد را تصویب می کنند قیام فرمایند (عده برخاستند)

رئیس - تصویب نشد. پیشنهاد آقای آقا شیخ جلال باید بعنوان تبصره بماده اول اضافه شود اول رأی می گیریم بماده بعدی پیشنهاد ایشان باید تکلیفش معلوم شود پیشنهاد پیشنهاد آقای آقا میرزا جوادخان (شرح ذیل قرائت شد)

بنده پیشنهاد تجزیه می کنم رئیس - تجزیه می شود بشرطی که خودشان قرائت می کنند (شرح آن خوانده شد) ماده چهارم - دولت مکلف است نسبت بدخانیاتی که از خارج بداخله مملکت وارد می شوند مالیاتی معادل تفاوت مابین حقوق گمرکی دخانیات مزبوره و مالیات داخلی

ممكن است این مذاکرات دو ماه سه ماه یا شش ماه طول بکشد و این پیش نهادی که ایشان فرموده اند در واقع لغو اصل این مالیات است

رئیس - رأی می گیریم به پیشنهاد آقای آقا شیخ جلال (عده قلبی قیام نمودند)

رئیس - تصویب نشد. اصلاح آقای کازرونی (شرح ذیل قرائت شد)

بنده تبصره ذیل راجع بماده چهارم پیشنهاد می کنم. . . .

رئیس - تصویب شد. پیشنهاد آقای آقا شیخ جلال پیشنهاد آقای کازرونی قرائت می شود (شرح آن قرائت شد)

در ذیل ماده چهارم اضافه شود، ما می که دولت بیکم از دوشق فوق را مجری نداشته شروع باخذ مالیات جدید نخواهد شد.

رئیس - آقای آقا شیخ جلال (اجازه) آقا شیخ جلال - ما می دانیم که اصل وضع ماده چهارم برای جلوگیری از رقابت خارجه است ولی اگر این قانون اجراء بشود تصور می کنم بهیچوجه مردم قادر بزراعت توتون و تنباکو نخواهند شد و مردم دچار اشکال می شوند و چون همان طور که آقایان فرمودند این قسمت در تحت اختیار دولت نیست

یعنی ما نمی توانیم پیش بینی کنیم که دولت بدون توافق نظر با دولت های دیگر بتواند تعرفه گمرکی را تغییر دهد یا اینکه بیک مالیات های زیادی وضع کند

جمعی از نمایندگان - (بطور همه) اینطور نیست برای چه نمی تواند؟ آقا شیخ جلال - این است که بنده پیشنهاد کردم که اگر حقیقتاً وضع این قانون برای جلوگیری از رقابت مال التجاره خارجه است اضافه شود مادام که بیکم از این دوشق اختیار نشده دولت شروع باخذ مالیات جدید نخواهد کرد

رئیس - آقای سرکشیک زاده (اجازه) سرکشیک زاده - بنده تصور می کنم پیش نهادی که آقای آقا شیخ جلال فرموده اند تقریباً بالغه این قانون و آن قانون اولی است برای اینکه در قسمت خارجه البته دولت بایستی وارد بیک مذاکراتی بشود و

رئیس - آقای آقا سید یعقوب (اجازه) آقا سید یعقوب - بنده برای سوه تفسیری که آقای آقا شیخ جلال بیان کردند بیک سوه ظنی هم در خود بنده هست که دولت نسبت بمالیاتی که راجع به داخله است شروع باجراء می کند و شاید نسبت به توتون و تنباکوئی که از خارج وارد می شود تأخیر شود و درین بین بیک ضرر اقتصادی بما وارد شود تصور کردم برای اطمینان خاطر خوبست بیک مدتی را برای ابتکار معین کنند که دولت در ظرف آن مدت شروع باجراء این قانون کند .

و برای اینکه بعضی از آقایان اظهار کردند که دولت باید در این واقعه مهلت داشته باشد که مذاکره کند بنده مدت را بیک سال معین کردم که تا بیک سال پس از اینکه این قانون را اعلان کرد شروع باجراء ماده چهارم نماید و این فرجه مهلت برای دولت باشد که بتواند صحبت کند و جریان بدهد این مالیات را نسبت به امتعه خارجه .

لذا این مدت را بنده پیش نهاد کردم تا دولت بتواند این قانون را نسبت بهممه اجراء کند

وزیر مالیه - آقایان باید توجه فرمایند که دولت خودش در نظر داشته است این مسئله را که آقایان متوجه هستند ما خودمان هم پیشنهاد کردیم و در نظر داشتیم و این ماده را هم برای اینکه جلو گیری از مال التجاره خارجه می کند و مال التجاره داخله بتواند رقابت کند با مال التجاره خارجه پیشنهاد کردیم و همین جهت از مجلس اجازه می گیریم که بیکم از این دو اقدام را بگیریم

ولی باید آقایان توجه فرمایند که ما آمده ایم فوریت این قانون را تقاضا کرده ایم و آقایان هم رأی داده اند که این قانون بفوریت بگذرد

فوریت این نیست که یکسال دیگر ما این قانون را اجراء کنیم اصل مسئله را هم ما خودمان در نظر داریم و در موقع هم بوقع عمل خواهیم گذاشت و این نگرانی آقایان مورد ندارد .

آقا سید یعقوب - بنده مسترد می دارم.

رئیس - ماده پنجم (شرح ذیل قرائت شد) ماده پنجم - هر کس هر مقدار توتون و تنباکو بطور قاچاق یا بهر نحو دیگر از ادای مالیات بگریزد هین جنس قاچاقی ضبط و جریمه معادل دو برابر قیمت آن از قاچاق کننده اخذ خواهد شد

رئیس - آقای آقا شیخ جلال (اجازه) آقا شیخ جلال - هر کس هر مقدار توتون و تنباکو بطور قاچاق یا بهر نحو دیگر از ادای مالیات بگریزد هین جنس قاچاقی ضبط و جریمه معادل دو برابر قیمت آن از قاچاق کننده اخذ خواهد شد

رئیس - آقای آقا شیخ جلال (اجازه) آقا شیخ جلال - همه می دانیم که مجازات بایستی مناسب با جرم باشد و هیئت مقننه در وقتی که میخواهد بیک مجازاتی را معین کند باید ملاحظه کند آن قلمی که ارتکابش موجب جرم است ضررش در جامعه تا چه اندازه است و بمناسبت آن جرم وضع مجازات کند تصور می کنم تمام آقایان اینرا تصدیق می کنند و این خودش بیک قسمت مهمی است در موقعی که بیک مالیات گزافی بدارن و مراجع بانکار مردم آمده است بمجلس، در بیک موقعی که هنوز مصرف این قانون و مصرف این فایدهات معلوم نیست و مردم با کمال دقت این تعصبات را نگاه می کنند، در چنین موقعی و با این وضعیت اگر بیک نفر یا بیک کسی که حقاً خود را مکلف میدانند این پول را بدهد زیرا میدانند این پول بصرف خودش نمیرسد قاچاق کرد و حاضر نشد این مالیات را بدهد در اینصورت بایستی این اندازه را تحصیل کرد .

این است که بنده چون این مجازات را مناسب نمی دانم و قانونی هم بی مجازات نمی شود .

از این جهت پیشنهاد می کنم که لااقل اکتفا شود ضبط نصف آنچه که قاچاق شده است .

رئیس - آقای رهنما (اجازه) رهنما - آقای آقا شیخ جلال فرمودند بیک نفری که خودش را مکلف نمیداند که مالیات بدهد .

گمان می کنم مقصودشان غیر از این بوده است زیرا هر ایرانی وقتی قانونی در مجلس شورای ملی وضع شد مکلف است که نسبت کند از آن قانون و تخلف نکند و البته اگر تخلف کرد از قانونی که از مجلس گذشته است جرم دارد و اینکه می فرماید لااقل نصف را ضبط کنند

این در واقع بیک تشویقی از قاچاق است و اگر این ترتیب بشود ممکن است کسی که میخواهد قاچاق کند بیک منافع هنگفتی ببرد

بعد که گیر افتاد فلانقدر جرم بدهد زیرا قبلاً فکر می کند و می بیند بیک منافی برده و در موقع گرفتاری نصفش را ضرر کرده .

بنابر این بنده گمان می کنم این ماده بهترین مواد این قانونست و معتقدم که مجازات سخت باید درباره تخلف از قانون و قاچاق کننده قرار بدهند که اخلاق قاچاقی در مملکت بپوشد

رئیس - آقای شیروانی (اجازه) آقای شیروانی - اگر ما بخواهیم تا این

مجازات بایستی مناسب با جرم باشد و هیئت مقننه در وقتی که میخواهد بیک مجازاتی را معین کند باید ملاحظه کند آن قلمی که ارتکابش موجب جرم است ضررش در جامعه تا چه اندازه است و بمناسبت آن جرم وضع مجازات کند تصور می کنم تمام آقایان اینرا تصدیق می کنند و این خودش بیک قسمت مهمی است در موقعی که بیک مالیات گزافی بدارن و مراجع بانکار مردم آمده است بمجلس، در بیک موقعی که هنوز مصرف این قانون و مصرف این فایدهات معلوم نیست و مردم با کمال دقت این تعصبات را نگاه می کنند، در چنین موقعی و با این وضعیت اگر بیک نفر یا بیک کسی که حقاً خود را مکلف میدانند این پول را بدهد زیرا میدانند این پول بصرف خودش نمیرسد قاچاق کرد و حاضر نشد این مالیات را بدهد در اینصورت بایستی این اندازه را تحصیل کرد .

رئیس - آقای شیروانی (اجازه) آقای شیروانی - اگر ما بخواهیم تا این

شیروانی - بنده در مقدمه مجازات اهمیت نمی دهم و طرفدارم که مجازاتها باید شدید باشد ولی در تعیین و اجرائش بنده در روز هم اعتراض کردم که راجع بهمین مسئله شاید تا یک ماه دیگر آقایان تشریف بیاورند اینجا و مثل تعدیه تبریک هر روز قبل از دستور راجع تقاضای تنباکو و شکایت از مأمورین قاچاق لبا گویند .

قاچاق یعنی دزدی . اگر بیک نفر ادعائی داشته باشد بر کس دیگری بیک کسی دعوی کند بزدی بیک شخصی باید محکمه صالحه آن شخص متهم را جلب کند و رسیدگی کند و مدارک طرفین را ببیند و بالاخره طرفین در محکمه صالحه حاضر شوند تا دزدی ثابت و مطابق قوانین مملکتی مجازات شود .

اما دزدی از مالیات دولت فقط باظهار بیک نفر مقنن شده (برای اینکه در ولایات ما مقننین را دیده ایم که چه سنخ از اشخاص هستند و دیده ایم از دیوار خانه مردم بالا میروند و غالباً ادعا شده تبریک را برده اند آنجا گذاشته اند بعد هم رفته اند و گفته اند این شخص قاچاق کرده جز نظامنامه تعدیه تبریک هم هست که اگر کسی تبریک قاچاق پیدا کرد صدسی مال خودش است .

آیا این مقننین بهتر از این راه دخل از کجا پیدا میکنند که برود بیک مقدار پنچ مثال با ده مثقال تبریک بگذارند توی خانه مردم آنوقت بیک مبلغ زیادی جرم بگیرد صدی سی اش را هم برادرش را بکش را هم که بیس میگیرد .

بنابرین بنده در طرز اجراء این ماده حرف دارم که چطور میتوان این قاچاق را ثابت کنند و همینطور که بیک نفر مقنن با امین مالیه بگوید این قاچاق است بنده مخالفم و معتقدم که بیک محکمه دولت مخصوصاً تشکیل بدهد

در ابتدای اجراء قانون تعدیه تبریک بیک اداره تعقیب بود که متهم را میآوردند آنجا و تعقیب می کردند مدارک مقنن را می دیدند و بالاخره وقتی که ثابت می شد این شخص قاچاقچی است آنوقت او را مجازات میکردند .

بنده حرقم در این است که بیس از اینکه معلوم شد در بیک محکمه این شخص توتون یا تنباکو قاچاق کرده است آنوقت او را مجازات کنند و با این ترتیب موافقم که دولت در نظامنامه این قانون این مسئله را پیش بینی کند و الا همیشه طرفدار مجازاتم برای اینکه تخلف از قانون نشود ولی مملکتی که وضع اینست طرز اجرائش را باید قبلاً پیش بینی کرد .

رئیس آقای صاد السلطنه! (اجازه) عماد السلطنه - اگر ما بخواهیم تا این

انمازه سوء ظنی که آقای شیروانی اظهار کردند نسبت بمأمورین داشته باشیم بهتر این است که هیچ قانون وضع نکنیم و هیچوقت هم منتظر نباشیم که قانونی اجراء شود .

اگر بنا باشد بیک نفری که قاچاق کرد او را ببرند در محاکم صالحه ابتدائی و استیناف و تمیز و این مقامات را طی کند ما اصول قاچاقچیسگری و دزدی را تشویق کرده ایم در صورتی که این اشکالاتی که فرمودند در مسئله قاچاق نیست و مسئله قاچاق مخصوصاً مسئله دخانیات اینها بیک نکته هائی است مثلاً فرض فرمایند در شیراز فردایک تنباکوئی حمل می شود این باید در اداره مالیه شیراز سیم و سرب بشود جواز هم بگیرد اما اگر فردا در نزدیک آباده دیدند پنجاه بار تنباکو آنجا است که نه جواز دارد و نه سیم و سرب شده آیا باز محتاج است که او را ببرند بیک محکمه و از اوسوال کنند که آیا شما این تنباکوئی را که آورده اید سیم و سرب کرده اید و مالیات داده اید یاخیر در صورتی که اگر دیدند سیم و سرب ندارد معلوم است قاچاق است و باید او را مجازات کرد بلکه بیک قدری شدید تر هم مجازاتش کرد تا این اصول قاچاق بازی ازین مملکت بیرون برود .

رئیس - آقای حائری زاده . (اجازه) حائری زاده - بنده عرضی نداشتم . رئیس - آقای یاسائی . (اجازه) یاسائی - البته تمام آقایان نمایندگان معترم از شکایاتی که اهالی این مملکت از طرز اجراء این قانون دادند مسبوق و مستعذرند و تصور نمی کنم شکایات مؤدیان مالیاتی رو به مرتفعه اگر حساب کنیم با تمام شکایات دیگر معادله کند باشکایاتی که نسبت باجرای این قانون از مأمورین دولت بمجلس و بدولت و بوکلا میرسد و ما می خواهیم درین قانون تقریباً بیک نوع شکایاتی را که سابقاً بمجلس رسیده است دو باره تعدیه کنیم یعنی موجبات شکایات را از یاد بگردانیم و فقیه که زراعت تبریک عمل میآید بعد از تجربیاتی که در اداره مالیه کرده اند بالاخره آنچه را که پسندیده و انتصاب کرده اند این است که وقتی زراعت تبریک بعمل آمد خرابی می کند و این خرابی بیک مخارجی دادر و بیس از خرابی آنوقت آن کسی که مالک زراعت است ببرد با اداره مالیه تحویل بدهد و هیچ مالکی حق اینکه بفرشد

بایرد بخانه اش ندارد و باید در انبار ماله باشد و ادرار ماله باندرل روی آن بنده و اگر بغواهد بکسی بفروشد باید همانطور بکده در انبار ماله هست بفروشد و باید باندرل هم روی آن زده شده باشد و اگر چنانچه تریاک یا شیر در خانه کسی پیدا شد و خارج از این تریاک بود

آن را قاچاق حساب میکنند و تمام مشکلات هم راجع باین قسمت است حالا در قسمت نیا گو هم میخواستیم بک ترتیبی کنیم

که همان وضعیاتی که راجع به تصدیق تریاک هست همان وضعیت تکرار شود مثلاً در انبار ماله که فرضاً من صد من در آن خرور تبا گو حمل آورده است

آیا این شخص مجاز است آنرا ببرد بخانه اش یا باید از همان صحنائی که خشک می کند

تبا گو را پس از خشک شدنش با آن ترتیبیاتی که دارند که بنده درست نمیدانم تحویل انبار ماله بدهند و این سیم و سرب که آقای عماد السلطنه می فرمایند نمی دانم چگونه می شود؟

اگر بزرگ زار می تری خانه اش پنج من تبا گو داشته باشد باید فوری مطابق این قانون بریزد در خانه اش و بگورند قاچاق است یک قسمت از مردم از جهت مالیات دخانیات مبتلا خواهند شد

بنده عقیده ام این است که باید يك تجدید نظری در این ماده بشود و يك ترتیبی که اسباب زحمت نباشد والا اینکه بگوئیم کسی که قاچاق کرد عین جنس او ضبط شود

بدون اینکه در نظر بگیریم بطور این ماده را میخواستیم اجرا کنند بنده برای مردم و مملکت مضرت و بالاخره با آن وضعیاتی که راجع به تصدیق تریاک است از طرف دولت و مجلس مقتضی نیست و این ماده بنظر بنده همکس العمل دارد باید اول فکر کنیم و ببینیم چگونه باید اجرا شود؟

اگر يك همچو مسائلی در این مملکت سابقه نداشته و اگر این آه و ناله های مردم بگوش ما نرسیده بود ممکن بود فرض کنند که در اجرای يك ترتیب مناسبی اتخاذ می کنند

ولی با سابقه ای که نسبت با اجرای قانون تصدیق تریاک گمان نمی کنم مقتضی باشد که يك همچو ماده در این قانون گذاشته شود این بود عقیده بنده

صدر الاسلام - بنده مخالفم
رئیس - آقای طهراني مخالفید؟
آقا شیخ محمد علی طهرانی - بلی

رئیس - آقای مدیر المملک (اجازه)
مدیر المملک - بنده در این ماده عرضی ندارم

رئیس - شاهزاده غلامحسین میرزا (اجازه)
غلامحسین میرزا - بنده هم مخالفم

رئیس - آقای سر کشیک زاده چطور سر کشیک زاده - بنده مرضی ندارم

رئیس - آقای سردار عشاری مخالفند سر دار عشاری - بلی

رئیس - آقای شیاه الرازمین چطور ضیاءالواعظین - بنده موافقم

رئیس - بفرمائید ضیاءالواعظین - بنده هم موافقم

قانونی که از تصویب مجلس شورای ملی میگردد باید در نظر بگیرند که آن قانون بموقع اجرا گذارده شود و قانونی که اجرا نشود

بنده بنده برای جامعه و برای مملکت و برای روحیات مردم مضرت است از جمله چیزهایی را که همیشه قانونگذار باید در نظر بگیرد

همین جاست - یعنی اگر نخواهند در نظر بگیرند

این مسئله مجازات را مخصوصاً يك بداخلاقی هائی در جامعه زیاد می شود در این گونه مواقع قانونگذار باید دقت کند و بهر وسیله که ممکن است جلوگیری از سوء اخلاق بکند

بنده بنده حتی الامکان جامعه نباید مرتکب خلاف آن بشود

یعنی مردم همینطور تربیت شوند و قانون هم ممل و بی مصرف نماند مجلس تصویب می کنند

از تبا ککو و توتون بهمان ترتیبی که ذکر کرده است مالیات گرفته شود و این مالیات هم صرف اصلاحات مملکت و صرف آبادی مملکت و صرف امنیت و ادارات مملکتی میشود و اگر چنانچه این ماده از برای جلوگیری از قاچاق در آنجا نباشد آنوقت مردم برای فرار از ادم مالیات مرتکب قاچاق میشوند و تبا گو و توتون را با تمام مختلفه دست بدست می فروشند که روی هر رفته هم قانون کاملاً اجرا نشده و هم يك اشخاصی مرتکب کار بد و خلاف اخلاق می شوند و آنوقت مجلس تشویق کرده است يك اشخاصی را که می خواهند خلاف قانون رفتار کنند بنابر این بنظر بنده این ماده لازم است اینجا باشد

بعضی از نمایندگان - مذاکرات کافی است

بمعنی گفتند - کافی نیست

رئیس - رای می گیریم بکفایت

مذاکرات آقایانی که مذاکرات را کافی می دانند قیام فرمایند

(عده قلیبی قیام نمودند)

رئیس - معلوم می شود کافی نیست آقای صدر الاسلام (اجازه)

صدر الاسلام - همانطوری که آقایان راجع بانجامه ذکر می نمایند در این ماده نسبت تبا گو دارد وزارت که در موقع عمل زارعین و تجار و کسب و این قسم اشخاص گرفتار میشوند بنده هم بلك نكنه دیگری را که در این ماده ذکر شده خواستم تفکر بدهم که آن نكنه بیشتر موجب میشود از برای اختیارات نامحدود مأمورین ماله و آن کلمه است که بعد از کلمه قاچاق (یا بهر نحو دیگر) ذکر شده است و بنده هر چه فکر میکنم کلمه برای انواع مختلف بهتر و جامع تر از قاچاق پیدا نمیکند

در این صورت چه ضرورت دارد که کلمه یا بهر نحو دیگر را بعد از لفظ قاچاق ذکر کرده اند بنابر این بند کاملاً با این ماده مخالفم و پیشنهادی هم کرده ام تقدیم مقام ریاست مکنم

رئیس - آقای کازرونی - بلی

رئیس - آقای آقا سید یعقوب - بنده هم مخالفم

رئیس - آقای طهراني هم مخالفند آقا شیخ محمد علی - بلی

مخالفم

رئیس - آقای باستانی هم مخالفند

باستانی - بلی - آقای وزیر دفاع میکنند

رئیس - مخالفین حرف بزنند شاهزاده غلامحسین میرزا (اجازه)

غلامحسین میرزا - آقای ضیاءالواعظین طوری فرمودند که مثل این است که مخالفین این ماده موافقت کنند که اگر کسی قاچاق کرد مجازات شود ولی این ماده طوری نوشته شده است که سوغات نسبت بآن هست و تقریباً مثل قانون تجدید میشود

مثلاً اگر کسی چه قاچاقچی و چه غیر قاچاقچی باشد و بکس تبا گو داشته باشد باید بدیش را در بیارند

اولاً باید این را تشخیص بدهند که کسی قاچاقچی است و کسی قاچاقچی نیست دیگر اینکه در این ماده معلوم نیست که آن کسی که خود اداره ماله فرستاده و قاچاقی را گرفته آیا باید هم خودش مدعی

باشد و هم قاضی

این مسئله هیچ جا سابقه ندارد که يك کسی هم مدعی باشد و هم قاضی بنده این سفر اخیری که به اصفهان رفتم اشخاصی بودند که چهار ماه در حبس خود ماله بودند و حال آنکه هیچ کس قیر از عدلیه و مدعی العموم حق ندارند حکم به حبس اشخاص بدهند

فردا شما این قانون را می دهید بوزارت ماله هر کس که دوسم تبا گو دارد وزارت ماله او را تعقیب می کنند خودشان هم قضاوت خواهند کرد

بنده اساساً مخالفم با این ماده پیش نهادی هم تقدیم کرده ام و در پیش نهاد هم ذکر کرده ام که باید ماله صالحه این شخص را تعقیب بکنند

رئیس - آقای شریعت زاده (اجازه)

شریعت زاده - بنده موافقم با این ماده و اجاباً مخالف آن آقایان نسبت باین ماده یکی از این جهت است که می گویند این مجازات متناسب با این قانون نیست

بعضی از نمایندگان - آقا بلند تر بفرمائید

شریعت زاده - (پشت تریبون) عرض کردم مخالف آن آقایان نسبت به این ماده از دو نقطه نظر است یکی از این جهت بود که این مجازات را متناسب با تخلف از قانون نمیدانند یکی دیگر اینکه اجرای بنده از هر دو نقطه نظر تصور میکنم که اگر بگذردی دقت بشود در این اشتباه می شود و آن این است که تعیین تناسب مجازات با اصل عمل بجهت کیفیت می شود

برای تعیین تناسب مجازات با اصل عمل باید در دقت نظر آورد که تخلف از يك ماده قانون چه آثاری در جامعه پیدا می کند

هیچ تردیدی نیست که وضع این قانون برای رفع احتیاجات مادی این مملکت است بنابر این اگر کسی برخلاف این قانون بخواهد بکند این در حکم تجاوز بقانون جامعه است و نمی توان اجازه داد در مسائلی که مجلس برای رفع احتیاجات جامعه تصمیماتی اتخاذ می کند يك اشخاصی برای اینکه مجازات های سهلی از برای آنها همین است راه تخلف از قانون برایشان باز شود از این نقطه نظر بنده متقدم هستم که مخصوصاً در مسائل مالی بهترین است که مجازات مجازات مادی باشد تا اینکه مردم برای علاقه چال کمتر تخلف بکنند از قانون

قسمت دیگر که راجع است باینکه مشکلات در اجرای این ماده بنده بنده در قانونی برای اجرای این اشکالات هست

مخصوصاً قوانین راجع بامور مالی - البته باید تصور این را هم کرد که اگر این جریاناتی که مادر نظر دارم صحیح نیست عاقبت چه باید کرد؟

بعقیده بنده تا وقتی که در سایه اجرای این قوانین اخلاق عمومی رو به بهبودی نرود اجرای این قانون و هر قانون دیگری مواجیه با مشکلات می شود تا وقتی که این ها ادامه دارد باید مقاومت و مبارزه کرد تا اینکه خود مردم تشییع شوند که مصلحت عمومی و خصوصی آنها از اتباع از قوانین است

بنابر این بعقیده بنده هر اصلاحی هر تغییقی نسبت به این ماده بشود و بالاخره منتهی می شود بضرر جامعه و مملکت و همینطور بتأخیر مقاصد مجلس شورای ملی که هياتت از رفح احتیاجات مالی مملکت قسمت دیگر هم مربوط است باینکه بجهت کیفیت باید تعقیب شود و بالاخره این مسئله را باید در نظر آورد که آن تشکیلاتی که مأمور این کار است و همچنین آن نظامانی که تأمین این مسئله را می کنند تربیتی باشد که تجار و مدعی آن مأمورین در سایه وجود این قانون جلو گیری بشود و اگر بنا باشد این تأمین نباشد

البته هر قانونی که وضع بشود ممکن است این مشکلات ایجاد بشود پس از این نقطه نظر نمی شود گفت که این قانون نباید وضع بشود

بنده تصدیق میکنم که يك بی تربیتی ها و بالاخره تجاوزاتی از طرف مأمورین نمی شود ولی نبوت این معنی ثابت نمیکند که در سایر مسائل که برای رفع احتیاجات مادی مملکت ضرورت دارد و پیش بینی آن از وظیفه ما است خود داری کنیم البته باید تدکر داد که برای جلوگیری از تجاوزات آن ها اقدامی بکنند که آن اقدامات تأمین کند این نظریه آقایان را

غلامحسین میرزا - بنده بنده در جمعی از نمایندگان مذاکرات کافی است

رئیس - هفت هشت فقره پیش نهاد رسیده است آقایانی که مذاکرات را کافی میدانند قیام فرمایند (اغلب قیام نمودند)

رئیس - اکثریت است - می فرمایند پیش نهاد ها بعد از تنفس قرائت شود؟ (در این موقع جلسه برای تنفس تعطیل و پس از نیم ساعت مجدداً تشکیل گردید)

رئیس - پیشنهاد آقای مقوم الملک (شرح ذیل قرائت شد)

اینجا پیش نهاد میکنم ماده پنجم این قسم نوشته شود هر کس هر قدر توتون یا تبا گو بپزد یا بخرد یا بکشد یا قاچاق محسوب است و در کجا قاچاق نیست مالیاتش را که در شهر باید بدهند اگر

آن

رئیس - آقای مقوم الملک (اجازه)

مقوم الملک - در آن قسمتی که نوشته است اگر کسی توتون یا تبا گو قاچاق کرد علاوه بر این عین جنس ضبط میشود و برابر آن هم جریمه میشود بنده پیشنهاد کرده ام يك برابر نوشته شود

رئیس - رای میکنیم به پیش نهاد آقای مقوم الملک آقایان موافقین قیام فرمایند (عده قلیبی قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد پیشنهاد آقای سالار لشکر (اینطور خوانده شد)

پیشنهاد میکنم در صورت قاچاق عین مال را دولت ضبط و فقط يك برابر جریمه تعیین می گردد

رئیس - رای میکنیم باین پیشنهاد آقایان موافقین قیام فرمایند (عده کمی برخاستند)

رئیس - تصویب شد پیشنهاد آقای سردار عشاری (شرح ذیل قرائت شد)

بنده پیشنهاد میکنم که برای جلوگیری از زدی مأمورین قاچاق هر تبا ککو و توتونی که از شهر یا قصبه وارد می نمایند با جواز نباشد آنرا قاچاق محسوب نمایند

رئیس - آقای سردار عشاری (اجازه)

سردار عشاری - بنده متکرر جریمه نیستم البته هر کاری را که قانون معین می کند اگر کسی قاچاق کرد از زدی بالاتر است و باید جریمه هم بشود

ولی عرض عرضم این است که باید این ملاحظه را هم کرد که نسبت بمأمورین قاچاق این قسمی که بعضی از آقایان میفرمایند نباید سوء ظنی پیدا کرد

بنده گمان نمیکنم که هنوز آن تأمین برای ما حاصل شده باشد خیر باید از آنها جلوگیری بشود زیرا ملائز فارس تبا گو بازمی شود برای اصفهان و آباد و قشم چون تمامش بشیراز نمی رود از راههای نزدیکتر می برند در آنجا مأمورین قاچاق جلوش را می گیرند که این بار قاچاق است در صورتی که تبا ککو تا بار را نمی برد قاچاق کرد و این تبا ککو تا بار را نمی برد نیست تمام تکلیفات و دستورات و آنچه که لازمه جلوگیری از قاچاق و مجازات آنها است بر سرش آورده اند

البته این ترتیب از برای مردم اسباب زحمت می شود یکی هم راجع بمالکین است

بنده دامن تبا گو که خدایم برایم می آورد این را باید معلوم کنند که در کجا قاچاق محسوب است و در کجا قاچاق نیست مالیاتش را که در شهر باید بدهند اگر

در بیرون دروازه گفتند قاچاق است آنجا تکلیف چیست؟

بش بهتر این است که حالا تکلیف این موارد را معین کنند

رئیس - رای گرفته می شود به این پیشنهاد

نصرت الدوله مجدداً بفرمایند (مجدداً شرح سابق خوانده شد)

زعیم - بنده مخالفم

رئیس - بفرمائید زعیم - اصلاً کلمه قاچاق بجنسی تعاق می گیرد که مستقیماً در تحت نظر وزارت ماله نباشد این پیشنهاد آقای سردار عشاری که معین میکند اگر جواز داشته باشد قاچاق نیست این همان عین نظامنامه است البته اگر جواز داشته باشد قاچاق نیست اینهم مربوط باین ماده نمی شود

سردار عشاری - اشتباه فرمودید يك قدری توضیح بدهید

رئیس - این پیشنهاد هائی که می شود باید ماده را بر تریبی که خود آقایان پیشنهاد کنند کان صلاح می دانند بنویسند بدهند تا برای بگیریم والا بطور اصلاح نمی شود رای گرفت

این راهم می دهم خود آقای سردار عشاری اصلاح بفرمایند

سردار عشاری - چون ماده اینجا نیست نمی دانم

رئیس - می دهم بیاورند سردار عشاری - مسترد داشتم

رئیس - پیشنهاد آقای داور (بمضمون آتی خوانده شد)

بنده پیشنهاد میکنم ماده چهار بطریق ذیل اصلاح شود (ماده چهار در اصل پیشنهاد نوشته شده بود در صورتی که مقصود ماده پنجم است) هر کس هر مقدار توتون و تبا گو بطور قاچاق از ادای مالیات بگریزند عین جنس ضبط خواهد شد

تصوره در صورت انکار مظنون بقاچاق قضیه بمحاکم عدلیه مراجعه می شود

رئیس - این پیشنهاد هم می ماند بعد رای می گیریم - پیش نهاد آقای آقا سید یعقوب

(اینطور قرائت شد)

بنده پیشنهاد می کنم که مجازات جنس زدی ضبط عین همان جنس است مجازات دیگری نخواهد داشت

رئیس آقای آقا سید یعقوب (اجازه)

آقا سید یعقوب - بنده برای خاطر اینکه بیانات همه آقایان و اطلاعاتی که خود می بینم کردم راجع بتجاوز کردن مأمورین تریاک از حدود قانون (در واقع مثالی است مشهور که می گویند آدم مار گزیده از ریسمان سیاه و سفید می ترسد) و این مسئله نصب این همه است اصلاً و

اسماً وزراء می دانند که قانون باید يك تسهیلاتی داشته باشد که بشود اجراء کرد زیرا از اول سنک بزرگ برداشتن علامت زدن است همان عین جنس را که دولت می گیرد قاچاق است و همان را ضبط کنند زیادتر از آن چیزی لازم نیست بگیرد

رئیس - پیشنهاد آقای رئیس التجار هم در همین زمینه است؟

رئیس التجار - بلی عین پیشنهاد آقای آقا سید یعقوب است

رئیس - (خطاب بآقای نظام التولیه) پیشنهاد جناب عالی هم عین پیشنهاد آقای آقا سید یعقوب است

نظام التولیه - بلی

رئیس - پیشنهاد آقای امیر حشمت هم در همین زمینه است

امیر حشمت - بلی

رئیس - این پیشنهاداتی که شده است راجع خواهد بود بتجزیه کردن ماده و می ماند بعد از سایر پیشنهاد هائی که می گیریم پیشنهاد آقای زعیم (بمضمون آتی خوانده شد)

عین ماده قانون را بجای ماده قانون فعلی پیشنهاد میکنم

نصرت الدوله - ماده چهار را بفرمایند

رئیس - آقای زعیم (اجازه)

داور - بنده راجع بپیشنهاد خود توضیح ندارم

رئیس - راجع بتجزیه است وقتی میخواهم ماده رای بگیریم تجزیه میکنیم آنوقت جناب عالی توضیح بدهید

زعیم - بنده از قهقوی بیانات دولت و موافقین لایحه چنین استنباط کردم که فرضاً از این تسهیر جنس بیول اضافه کردن يك مبلغی مالیات از نقطه نظریک احتیاجات فوری است نه از نقطه نظر جمع آوری مالیات جدید و عواید جرمی و باقی مانده چه جا هم گفته می شد که مقصود همان قانون سابق است که اصلاح می شود و در ماده چهار قانون سابق نوشته است هر کس هر مقدار توتون و تبا ککو بطور قاچاق یا بشود دیگر از ادای مالیات بگریزند عین جنس ضبط خواهد شد و این در واقع نظر است که سایر آقایان هم پیشنهاد کرده اند و بنده چون مورد فوری بود پیشنهاد کردم که ماده چهار قانون سابق (که بعضی از آقایان هم همان نظریه را دارند) بجای ماده قبول شود و همان ضبط عین جنس کافی باشد

رئیس - آقای داور (اجازه)

داور - بنده باینکه قسمت از این پیش نهاد مخالفم بجهت اینکه بيش نهادی که بنده کرده ام همان ماده چهار سابق است فقط لفظ (بهر نحو دیگر) را حذف کرده ام زیرا کلمه بهر نحو دیگر يك کلمه کثر داری

دوره پنجم

روزنامه رسمی کشور شاهنشاهی

صفحه ۱۰۳

است و کلیه قاجاق جامع است و مقصود هم جلوگیری از آن است و بنده هم در پیش نهاد خود همان ماده چهار را با حلف گلمه (پهرنجوی دیگر) عرض کرده ام.

رئیس - این هم می ماند برای بنده. پیشنهاد آقای طهرانی (بضمون ذیل قرائت شد)

این بنده پیشنهاد می نماید که ماده ه باین طریق اصلاح شود

هر کس هر مقدار توتون و تنباکو بطور قاجاق از تازیانه مالیات بگذراند و در محکمه صالحه ثابت شود عین جنس قاجاقی ضبط می شود و دو مقابل قیمت آن جریمه خواهد شد.

رئیس - بفرمائید.

آقا شیخ محمد علی طهرانی - ماده پیشنهادی دولت باعث میشود که هر فردی از افراد مردم يك قوطی سیگار و توتون نوبی جیبشان باشد (باندرل که ندارد)

بگفت مفتش می گوید آقا این دو متقال توتون که نوبی قوطی سیگار است قاجاق است

(اظهارات مفتشین مالبه هم که وحی منزل است) باین واسطه همه از مردم بدبخت در مسئله تریاک ممدوم شده اند و سرمایه شان از بین رفته و آنها را برده اند در محبس و اوایتها سنگها داشته اند که بیچاره ها در محبس از دنیا رفته اند

حالا هم تمام افراد مردم هر کس تنباکو کش است يك من دومن تنباکو توی خانه اش هست و هم بطور آنها می که سیگار و قیچ کش هستند سه چارک کمتر بیشتر توتون در خانه شان دارند و هر يك از مأمورین برای اینکه میخوانند ببالیه يك خدمتی بکنند و ترفیع رتبه پیدا کنند میروند توی خانه هر روز دیدن میگویند اینجا توتون و تنباکو قاجاق است

یا اینکه میریزند توی خانه های مردم و میگویند در اینجا يك چیزهایی است و ما میخوانیم تفتیش کنیم یا اینکه آدم توی کوچه راه میروند همین قدر میرسد دست می کنند توی جیب مردم و میگویند که توی جیب تو توتون قاجاق است و اسباب زحمت مردم را فراهم میکنند

این ترتیب اصل ندارد و باید همین اندازه که معرفی کرد به محکمه صالحه مراجعه کنند و در آنجا رسیدگی بکنند

این چیزی را که مفتش را بارت داده است صحیح است یانه و پس از رسیدگی و معاکمه

آنوقت آن شخص را محکوم کنند و عین جنس را ضبط کنند و دو مقابل هم جریمه بگیرند چرا

برای اینکه وقتی به محکمه نیاید باعث این می شود که وزارت مالبه بر تمام افراد مردم بلا استثناء از عالی و دانی حق حکومت

و قضاوت داشته باشد بنا بر این بنده پیشنهاد کردم که باید در محکمه صالحه باشد عنوان هم نکرده ام از محکمه صالحه يك محکمه ممدوم می ماند که مدعی الموم هم آنجا است و باید در آنجا رسیدگی شود

رئیس - رای میگیریم - به پیشنهاد آقای طهرانی

شریعت مدار - در قسمت اول پیشنهاد رئیس بفرمائید

شریعت مدار - در قسمت اول پیشنهاد آقای طهرانی البته همینطور است که فرمودند اختیارات مسائل حکم و قضاوت و اجراء را نبایدست بمأمورین مالبه داد برای اینکه مأمورین مالبه با آن انتصابات که در موضوع تعدید دادند عملا ثابت شده که نمی توان آنها را هم قاضی و هم مجری قرارداد زیرا اسباب زحمت برای مردم فراهم می شود مخصوصاً اگر مواعیدی هم در بین باشد که هر کسی که تریاک قاجاق پیدا کرد چه نوع باید با او سلوک کرد بگویند اگر کسی توتون یا تنباکو قاجاق پیدا کرد چقدر یا او مساعدت میشود خود این يك وسیله میشود برای اذیت مردم ولی در قسمت دومش که باید به محکمه صالحه جلب شوند قضات این مسئله با محکمه صالحه باشد

حالا محکمه صالحه بطور باید باشد البته آنرا خود ایشان معنی میکنند ولی اینکه فرمودند دو مقابل بگیرند گمان می کنم دو مقابل گرفتن با نظر همه آقایان نمایندگان مخالف باشد

قانون باین سنگینی که بگم تبه بقید فوریت دارد وضع میشود اگر این مسئله صدایش بلند شود بگم تبه قرع سمع خواهد کرد

قانون باین سنگینی دیگر مجازات باین سنگینی نباید داشته باشد و مطابق نظر اغلب آقایان اگر قاجاقی کشف شد باید جنس قاجاقی بحکم محکمه صالحه (که صلاحیتش بعد باید توضیح داده شود) ضبط شود

آقا شیخ محمد علی طهرانی - بنده تقاضای تجزیه میکنم

رئیس - کدام جزو را

آقا شیخ محمد علی - جزء آخر را که دو مقابل معین میکنند علیه رای بگیرند و رجوع به محکمه صالحه مادم علیه

رئیس - محکمه صالحه را می خواهید حذف شود

طهرانی - عرض می کنم باین شکل - هر کس هر مقدار توتون و تنباکو بطور قاجاق از اداء مالیات بگریزند و از تنباکو را علیه رای بگیرند و از جمله (در محکمه صالحه مجاز خواهد شد) و اعم علیه

رئیس - پیشنهاد را حالا میخواهند معلوم میشود

(پیشنهاد مزبور را شرح ذیل قرائت نمودند)

این بنده پیشنهاد می نماید که ماده ه هر کس هر مقدار توتون و تنباکو بطور قاجاق از تازیانه مالیات بگذراند و در محکمه صالحه ثابت شود عین جنس قاجاقی ضبط میشود

طهرانی - همین اندازه

رئیس - رای میگیریم باین قسمت آقایانی که این اصلاح را تصویب میکنند قیام فرمایند

(اکتبر قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد

این چیزی که رای گرفتیم بجای ماده ه خواهد بود

(پیشنهاد آقای آقامیرزا بدالله خان بشرح ذیل قرائت شد)

چون برای موکلین قاجاق جریمه معین می شود برای رفع مزاحمت از اشخاص بی تقصیر هم بنده پیشنهاد میکنم که در آخر ماده ه اضافه شود

هر گاه معلوم شود مأمورین قاجاق برای اشخاص خسارت یا مزاحمتی فراهم کرده اند خسارت وارده و حقوق يك ماهه او ضبط و بطرف داده خواهد شد و از خدمت هم مستعفی خواهد گشت

رئیس - آقای آقامیرزا بدالله خان

آقا میرزا بدالله خان - بنده مقصود این است که در قانون نباید تبعیض قائل شد و قضیه يك با مودود و مواهق نیست همانطور که آقایان میل دارند که در ملک قاجاق نشود و بعضی عمیات نامشروع هم از کسی سر نزنند هیچ ضرر ندارد که برای مأمورین هم که بدون جهت اسباب زحمت یکمده را فراهم میکنند مجازاتی قائل شویم

جمعی از نمایندگان - صحیح است مساوات - بنده مخالفم

رئیس - بفرمائید

مساوات - بنده هم همینطور عقیده دارم که مجازاتی برای این قبیل مأمورین باشد و آن چیزی را که بنده پیشنهاد کردم راجع باین است که ما نمی دانیم بعد از اینکه این ماده گذشت این ضمیمه چه حالی پیدا خواهد کرد جزو ماده می شود یا اینکه يك ماده علیه باید پیشنهاد بشود

رئیس - تبصره میشود به پیشنهاد آقای آقامیرزا بدالله خان آقایانی که این پیشنهاد را تصویب میکنند قیام فرمایند

(اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد

پیشنهاد آقای مساوات

(بشرح ذیل خوانده شد)

اصلاح ماده پنجم را بضمیمه عبارت ذیل در آخر ماده تقاضا دارم

و اگر قاجاق کننده مأمورین دولت باشد علاوه بر مجازات مذکور به انقصال از خدمت نیز مجازات خواهد شد

رئیس - تبصره پیشنهادی آقای داور قرائت میشود

(اینطور قرائت شد)

تبصره - در صورت انکار مضمون بقاجاق قضیه به محاکم عدلیه مراجعه میشود

رئیس - آقای داور (اجازه)

داور - بنده می دانم که از طرف دولت يك نامساعدتی و عدم سعی قطعی نسبت این قبیل پیشنهادهاست و بنظر دولت شاید این ترتیب صحیح باشد

همینکه با کماری و قانونی گذشت باید اختیارش را داد بدست دولت و اوم با کمال اطمینان بمأمورین خود مسئله را تعقیب و اجراء کند

این يك نظری است که دولت دارد ولی بنده خیال میکنم هیچوقت و هیچ جانی قضا را نیایدستی گذاشت باین شکل باشد و بنده بنا اینکه احتمال قوی می دهم که این نظر تصویب نمیشود

معبدا عقیده دارم که این موقع را نباید از دست داد و این نظر را باید اظهار کرد

مأمور دولت يك تکالیفی دارد و از او هم باید تقویت شود ولی حرف او را نباید يك حرف آسانی دانست و اگر یک حرفی اوزدهم حرف او را باید يك حرف قانونی بدانند

يك مأموری می آید می گوید فلان چیز قاجاق است و مأمور می که بکند لیل قوی در دست آنها نیست که معلوم باشد آن مأمور درست می گوید یا خیر باید او را یک نفر شخص عادی محسوب داشت

بنابر این باید عمل قاجاق هم مثل بسیاری از اعمال که معمول است و می بینند در يك محکمه و پیش قاضی استنتاج می کنند تا اینکه معلوم شود مطلب درست بوده است یا خیر

همینطور که بنده عقیده دارم باید قضیه قاجاق هم باین نظر حل شود

البته قاجاقی پس از آنکه گیر افتاد و فرار کرده هیچ

ولی اگر در ضمن عمل طوری بود که اعتراف نکرد و قضیه معطل تر دید واقع شد یعنی گفت من قاجاق نکرده ام باید این قضیه هم مثل سایر قضایا برود بعد از آن رسیدگی شود

وزیر فواید نامه - در همان حالی که دولت البته هیچوقت نمی خواهد که هیچکس را در امور قضائی يك تکلیفاتی مجبور کند و در همان حالی که آقای داور اظهار فرمودند

دولت میل دارد تمام کارها را با داشتن اقتدارات لازمه در دست مأمورین خودش باشد

در همان حال باید چنجه عمل را ملاحظه کرد زیرا وقتی مجلس شورای ملی تصویب کند که اگر قاجاقی اعتراض کرد بر این که این مال قاجاق نیست برود به محاکم عدلیه

اولا هر قاجاقی این اعتراض را خواهد کرد و هیچ مورد استثناء هم نخواهد داشت برای اینکه هر کس برای حفاظت مال خودش این اعتراض را خواهد کرد

و برای آنها که مجازاتی معین نکرده اند و جریمه آرام که از بین برده اند و عین جنس را ضبط میکنند

ولی باید دید که حتماً باید قاجاق در حوزهای قضائیه واقع میشود

اگر در جانی حوزة قضائیه نبود چه خواهد شد

فرض بفرمائید در یکی از دهات نقاط کردستان يك امر قاجاقی واقع شد آنوقت باید آن بیچاره را برای یکبار تنباکو یا توتون از آنجا بر گز کردستان که مستند است و در آنجا حوزة قضائیه است ببرند و در آنجا رسیدگی و معاکمه کنند

و یکدیگر آن بیچاره را از این طرف آن طرف بکشند و اسباب زحمت درست کنند تا این که معلوم شود حق بجانب کی بوده است

این ترتیب عملی نیست

این اصل معجل کلام نیست که عمل قاجاق به است و حتی الامکان باید از قاجاق جلوگیری کرد

این اصل هم مسلم است که تعدی هم از طرف مأمورین بدست

این نکته هم عرض است که باید برای هر قاجاقی يك مجازاتی معین کرد (حالا آن مجازات ضبط مال و عین جنس یا چیزی دیگری علاوه یا کم باشد آن مرحله دیگر است)

بهر حال باید يك جانی یا معین کرد که هم از دروغ گفتن قاجاقی و هم از تعدیات مأمورین در خیانات جلوگیری شود و در آنجا رسیدگی و معاکمه بعمل آید

البته باید يك معالذی صلاحیتی را معین کرد

اما من عقیده دارم که آن معالذیه باشد

برای اینکه هنوز تشکیلات قضائی ما آنقدرها بسط و توسعه ندارد تا بتوانیم این قبیل قضایا را در آنجا احاله کنیم و این قبیل مرجوعات را در آنجا رسیدگی کنیم

یکی از نمایندگان معترض بکیشتهای کرده بودند که بقصد بنده بهتر بود آن این است

که در هر نقطه که این اتفاق واقع شود ممکن است يك محکمه از امین مالبه معالذیه را که باشد از مدعی الموم

آنجا تشکیلات و رسیدگی کنند و این خودش يك محکمه اختصاصی است

قضیه را رسیدگی می کنند اگر در بنده واقفاً قاجاق وارد بود که معامله قاجاق یا شخص قاجاقی می کند و اگر وارد نبود که هیچ

بقصد بنده این ترتیب بهتر است و اگر بنا شود به عدلیه ارجاع شود اسباب زحمت خود مردم خواهد بود

رئیس - بعد از اینکه پیشنهاد آقای طهرانی رای دادند دیگر گمان نمیکنم برای گرفتن باین پیشنهاد مورد داشته باشد نوشته شده است

معاکم صالحه - ممکن است يك تبصره اضافه شود که مقصود از معاکم صالحه معاکم عدلیه است ولی باین ترتیب گمان نمیکنم بشود رای گرفت

آقای داور (اجازه)

داور - اول آن چیزی را که رای داده شده است بخوانید تا بعد بنده هم رای را عرض کنم (بشرح ذیل قرائت شد)

هر کس هر مقدار توتون و تنباکو بطور قاجاق از تازیانه مالیات بگذراند و در محکمه صالحه ثابت شود عین جنس قاجاقی ضبط خواهد شد

این ترتیب عملی نیست

این اصل معجل کلام نیست که عمل قاجاق به است و حتی الامکان باید از قاجاق جلوگیری کرد

این اصل هم مسلم است که تعدی هم از طرف مأمورین بدست

این نکته هم عرض است که باید برای هر قاجاقی يك مجازاتی معین کرد (حالا آن مجازات ضبط مال و عین جنس یا چیزی دیگری علاوه یا کم باشد آن مرحله دیگر است)

بهر حال باید يك جانی یا معین کرد که هم از دروغ گفتن قاجاقی و هم از تعدیات مأمورین در خیانات جلوگیری شود و در آنجا رسیدگی و معاکمه بعمل آید

البته باید يك معالذی صلاحیتی را معین کرد

اما من عقیده دارم که آن معالذیه باشد

برای اینکه هنوز تشکیلات قضائی ما آنقدرها بسط و توسعه ندارد تا بتوانیم این قبیل قضایا را در آنجا احاله کنیم و این قبیل مرجوعات را در آنجا رسیدگی کنیم

یکی از نمایندگان معترض بکیشتهای کرده بودند که بقصد بنده بهتر بود آن این است

که در هر نقطه که این اتفاق واقع شود ممکن است يك محکمه از امین مالبه معالذیه را که باشد از مدعی الموم

در خطر باشد آنوقت باید به محاکم صالحه که عبارت از عدلیه است مراجعه کنیم

اگر در يك جانی محکمه عدلیه نیست خود دولت باید تشکیلات بدهد و باید همه امور جزائی را به آنجا احاله دهند در هر صورت چون عبارت معاکم صالحه يك لفظ کش داری است

از این جهت بنده صریحاً نوشته ام که مقصود از محکمه صالحه معاکم عدلیه است حالا اگر آقایان نخواهند باین پیشنهاد رای بدهند ناچاریم محکمه صالحه را بنظر دولت واگذار کنیم و بنده می دانم که دولت همان محکمه اداری را تعیین خواهد کرد

وزیر فواید نامه - اگر همه قتل هم در ملک بقدر عدله قاجاق بود دولت مجبور می شد برای قتل هم محکمه اختصاصی تشکیلات دهد

ولی ارجاع قاجاق به محاکم عدلیه اصلا عملی نیست و اسباب زحمت همه خواهد بود

رئیس - باین ترتیب عرض کردم نمی شود رای گرفت مگر اینکه تبصره بنویسند و بگویند مقصود از معاکم صالحه عدلیه است

تقریباً چهل فقره پیش نهاد رسیده اگر اجازه بفرمائید جلسه را ختم کنیم آقای سر کسبک زاده (اجازه)

سر کسبک زاده - اگر امروز تکلیف این قانون معین می شد خیلی بهتر بود چون بعضی از آقایان می خواهند بقم مشرف شوند یا بنجهت اگر امروز تکلیف این قانون معین نشود باز بتأخیر خواهد افتاد و بنده موافقم که جلسه امروز عصر باشد

رئیس آقای طهرانی (اجازه)

آقا شیخ محمد علی طهرانی - بنده از این که جلسه حالا ختم شود حرفی ندارم ولی پیشنهاد میکنم که عصر جلسه شود

رئیس - رای میگیریم برای تشکیلات جلسه به امروز عصر

مشارعظم - بنده مخالفم

تدین - بنده هم مخالفم

رئیس - آقای تدین (اجازه)

تدین - بنده دو ماه دیگر بیشتر باقی نمانده است چیزی هم از نظر نگه داشته میروز تا یک ساعت و نیم بعد از ظهر ما اینجا بودیم و اگر بنا باشد کار کنیم تا یک ساعت و نیم دیگر هم جلسه طول بکشد عیبی ندارد تا این قانون تمام شود

و دیگر محتاج نخواهیم بود که عصر هم جلسه باشد

بیست و چهار ساعت پشت سر هم که نمیتوانیم بیائیم

هزار کار دیگر هم داریم

دوره پنجم

رئیس - عرض کردم پیشنهاد از تادی رسته و باید از هدیگر تفکیک شود و الا ممکن است اراء متضاد داده شود

رای میگیریم بختم جلسه

آقایانی که ختم جلسه را تصویب میکنند قیام فرمایند (عده قلبی قیام نمودند)

رئیس - تصویب نشد

پیشنهادها قرائت میشود (بشرح ذیل قرائت شد)

پیشنهاد آقای ضیاء الواعظین - بنده پیشنهاد میکنم که ماده پنجم باین ترتیب اصلاح شود

ماده پنجم - هر کس هر مقدار توتون و تنباکو بطور قاجاق از آراء مالیات بگریزند عین جنس ضبط خواهد شد

رئیس رای میگیریم آقایانی که تصویب میکنند قیام نمایند

(چند نفری قیام کردند)

رئیس - تصویب نشد

پیشنهاد آقای رئیس التجار (بشرح ذیل خوانده شد)

بنده پیشنهاد میکنم ماده پنجم پیشنهاد شود

هر کس هر مقدار توتون و تنباکو بطور قاجاق یا بهر نحو دیگر از ادای مالیات بگریزند عین جنس قاجاق ضبط خواهد شد

بعضی از نمایندگان - رد شد

پیشنهاد آقای نظام التولیه - پیشنهاد میکنم جریمه قاجاق فقط عین توتون و تنباکو ضبط شود

پیشنهاد آقای امیر حشمت - بنده پیشنهاد میکنم ماده پنجم اینطور اصلاح شود

هر کس هر مقدار توتون و تنباکو از ادای مالیات بگریزند عین جنس قاجاق ضبط می شود

بعضی از نمایندگان - این هم رد شده است

پیشنهاد آقای کازرونی - بنده تبصره دین را پیشنهاد میکنم مقصود از محکمه صالحه عدلیه است که مرجع تنظیمات عمومی است

یک نفر از نمایندگان - خودشان نیستند

رئیس عده هم کافی نیست

(در این موقع جلسه بواسطه کافی نبودن عده تعطیل و پس از يك ربع مجدداً تشکیل شد)

رئیس - پیش نهاد آقای داور قرائت می شود

(بشرح ذیل خوانده شد)

تبصره - مقصود از معاکم صالحه عدلیه است

رئیس - آقای باستانی (اجازه)

روزنامه رسمی کشور شاهنشاهی

صفحه ۲۲۱

دوره پنجم